

ستون اول:

## خیزش علیه

## گرسنگی و ستم طبقاتی

جامعه‌ی ایران بار دیگر در حال ورود به مرحله‌ی نوینی از رویارویی توده‌های زیر ستم و حاکمیت است. خیزش فرودستان جامعه علیه ستم طبقاتی و گرانی نان و دارو و مسکن و تمامی کالاهای اساسی و عمق فساد نهادینه شده‌ی باندهای حکومتی لحظه به لحظه به شکل فورانی شکل‌های رادیکالتری به خود می‌گیرد. جنبش معلمان با پیشتازی زنان، و پیوند آن با جنبش بخش دیگر کارگران وارد گام نوینی شده است. توده‌های کار و زحمت در خوزستان، فارس، لرستان، اصفهان و برخی شهرهای دیگر از جمله اندیمشک، شهر کرد، جوققان، قزوین، فشافویه در تهران بزرگ، دزفول و.. به خیابان‌ها سرازیر شده و حکومت را به لرزه درآورده‌اند. شعار "مرگ به خامنه‌ای"، "می‌جنگیم، می‌جنگیم، ایران رو پس می‌گیریم"، بیانگر اعلام سرنگونی حکومتی است که همانند اشغالگران ویرانگر، هستی مردم را به گروگان گرفته‌اند.

این خیزش در شکل تازه امروزی و شعارها و پتانسیل جاری خود، فراتر از اعتراضات مردمی در آبان‌ماه ۹۸ که بزرگترین اعتراض‌های ۴۰ ساله‌ی پیش از آن بود به شمار می‌آید. در روزهای آبان ۹۸، توده‌های به خشم آمده و جان برکف، با پیشتازی جوانان و زنان دستکم در ۵۰۰ شهر و روستای ایران به پا خاستند. رژیم اسلامی، تنها با کشتار افزون بر ۱۵۰۰ تن از توده‌های مردم و دستگیری هزاران تن و زخمی کردن صدها تن، برای گذرا به مهار این جنبش جان به در بُرد. خیزش کنونی تداوم خیزش‌های مردمی ۹۶ و ۹۸ و واکنش به حکومتی است که در ۴۳ سال حکومت ننگین و خونبار



## اعتراضات علیه این موج گرانی را سراسری کنیم!

ارتش گرسنگی راه می‌رود  
با گام‌های تند  
با سرودهای آتش  
با امید به بیرق شعله شکلش  
با امید به امید.  
ارتش گرسنگی راه می‌رود  
شهرها را به دوش می‌کشد  
با کوچه‌ها و خانه‌های تاریک‌شان،  
دودکش‌های کارخانه‌ها را  
به دوش می‌کشد  
و خستگی بی‌پایان  
خروجی کارخانه‌ها را.

ناظم حکمت



## تورم افسار گسیخته

## و مزد ناچیز کارگران



## ثب جنایات و پرونده قتل عام‌ها و محاکمه سران حکومت اسلامی

## ضرورت‌ها و راه‌های پیوند جنبش‌های اجتماعی و سیاسی

## روز جهانی کارگر، در ایران چگونه گذشت!

## اعتراضات علیه این موج گرانی را سراسری کنیم!

ملی مجلس در توثیقی هشدارآمیز به دولت رئیسی نوشت: «آزاد نمودن قیمت آرد و محاسبه آن با نرخ جهانی به دلار؛ اشتباه فاحش مدیران اجرایی دولت است. اگر قرار است هزینه مردم به قیمت جهانی باشد درآمدشان هم باید در سطح جهانی و با دلار باشد نه ریال بی ارزش. صبر مردم را آزمایش نکنیم، آستانه تحمل مردم سالهاست به پایین ترین حد ممکن رسیده است.» این اظهارات نشان از آن دارد که شرایط زندگی و معیشت روزانه مردم ایران آنچنان وضع غیر قابل تحملی پیدا کرده که از نمایندگان مجلس گرفته تا بخشی از اصولگرایان و حتا ثناگویانی مانند رحیمی جهان آبادی که از حامیان بلامنازع در مدح دولت رئیسی کم نگذاشته بودند، صدایشان درآمده است.



موج اخیر گرانی و اعتراضات توده های به جان آمده مردم علیه آن

در شرایطی است که، ابراهیم رئیسی جلا با شعار مبارزه با گرانی و مشکلات معیشتی مردم کارزار انتخاباتی خود را آغاز کرد. اما از آغاز کار دولت رئیسی تاکنون نه تنها هیچ گشایشی در زندگی مردم ایجاد نشده است، بلکه بیکاری، تورم و گرانی تشدید شده و ابعاد تازه ای پیدا کرده است. در شرایطی که بنا بر آمار رسمی خود جمهوری اسلامی بیش از ۶۰ درصد مردم زیر خط فقر زندگی می کنند، معنای تشدید تورم و گرانی و تعمیق فاصله دستمزد کارگران و حقوق بگیران با خط فقر چیزی جز فراگیر شدن خط فقر مطلق نیست. تردیدی نیست که گسترش فقر و فلاکت اقتصادی نه تنها تداوم اعتصابات کارگری و جنبش های اعتراضی را اجتناب ناپذیر می نماید، بلکه زمینه را برای انفجارهای اجتماعی نیز آماده می کند. اعتراض علیه این موج گرانی می تواند به بستری برای به هم پیوستن اعتراضات و اعتصابات کارگری، اعتراضات معلمان و اعتراضات خیابانی تبدیل شود. به هم پیوستن و سراسری شدن این اعتراضات است که می تواند حکومت اسلامی سرمایه داران را از تعرض به کار و زندگی و معیشت کارگران و فرودستان جامعه به عقب براند و زمینه سازمانیابی سراسری این اعتراضات را فراهم آورد.

در جریان اعتراضات خیابانی علیه گرانی، توده های به جان آمده با سر دادن شعار علیه خامنه ای و رئیسی و کلیت رژیم جمهوری اسلامی نشان دادند که هیچ امیدی به باندهای حکومتی ندارند که

شهرستان ایذه در استان خوزستان در روز پنج شنبه ۲۲ اردیبهشت بار دیگر شاهد حضور مردم معترض در خیابان های اصلی شهر بود. مردم این شهر در اعتراض به موج گرانی های بی سابقه به ویژه به قیمت کالاهای اساسی از جمله نان، برنج و گوشت و با شعار علیه ابراهیم رئیسی به خیابان ها آمدند. همزمان با اعتراضات در شهر ایذه مردم معترض در شهرهای اندیمشک و شهر کرد نیز به خیابان ها آمده و با سر دادن "خامنه ای حیا کن، حکومت را رها کن"، "رئیسی حیا کن، حکومت را رها کن" خواستار کناره گیری آنها از حکومت شدند. نیروهای امنیتی رژیم تلاش کردند با تهاجم به صف تظاهرکنندگان و تیراندازی مانع ادامه اعتراضات توده های خشمگین علیه فقر و گرانی شوند. اعتراضات خیابانی روز پنج شنبه زمانی آغاز شد که

دولت رئیسی تحت عنوان "اصلاح و متناسب سازی قیمت" رسماً بهای روغن، مرغ، تخم مرغ و لبنیات را افزایش داد. چند روز قبل نیز مردم در شهرهای سوسنگرد، فلاحیه شادگان، بهبهان، دزفول و سرپل ذهاب علیه گرانی و افزایش سرسام آور قیمت ها دست به اعتراضات خیابانی زدند. دستگاه های امنیتی دزفول تعداد بسیار زیادی از نیروهای انتظامی و امنیتی را شبانه به محل تجمع مردم اعزام کردند و مردم معترض با سر دادن شعار «نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم» با آنها مقابله کردند.

با توجه به حذف ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی، همه کالاهای اساسی مورد نیاز مردم روزانه به طرز سرسام آوری گران تر شده اند. در حالیکه سخنگوی دولت در گفتگو با رسانه های دولتی اظهار نمود: «قیمت نان تا پایان سال تغییر نمی کند و رئیس جمهور اجازه گران شدن نان را نداده.» درست روز ۶ اردیبهشت با درخواست وزارت کشاورزی و تأیید سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولیدکنندگان، نرخ آرد صنف و صنعت آزاد شد و بر این اساس قیمت آرد ۵ برابر و از کیلویی ۲۵۰۰ تومان به ۱۲۰۰۰ تومان رسید. همچنین ابراهیم صیامی، مدیریت اطلاعات اقتصادی وزارت اقتصاد، روز ۱۴ اردیبهشت از سهمیه بندی نان و فروش آن با کد ملی خبر داد. این موج گرانی و اعتراضات مردم در شهرهای مختلف جدال و کشمکش های درونی حکومت را تشدید کرده است.

جلیل رحیمی جهان آبادی، عضو کمیسیون امنیت

خویش جز ویرانی و مرگ و تروریسم و جنگ افروزی و آنچه که یک نیروی تبهکار در تاریخ به بار آورد، در کارنامه ندارد.

حکومت اسلامی سرمایه، باید سرنگون شود این شعار حکومت شونددگانی است که اینک در کف خیابان ها همانند سیل خروشان آماده می شوند. گران شدن نان، ماشه ای یک انفجار اجتماعی را چکانید. شورش گرسنگان تنها چهره نمای این برآمد نیست، خیزش طبقاتی کارگران و فرودستان شهر و روستا، نشانگر ماهیت این اعتراض سراسری است.

این انفجار آتشفشانی است که باردیگر فوران گرفته است در نخستین روز خود پایگاه بسیج سپاه را در جونقان به آتش کشاند و ویران ساخت. تورم و گرسنگی و فساد، بشکه های باروتی هستند که پی در پی منفجر می شوند.

حکومت سرمایه داری اسلامی، پریشان و بی آینده، تلاشی مذبحخانه برای مهار این خیزش دارد. باندهای حاکم، تنها به پشتوانه و با زبان گلوله و شکنجه و زندان سخن می گویند. تاریخ اما گواه آن است که این تکیه گاه ها در برابر اراده ای توده های افزون بر پنجاه میلیونی زیر خط فقر مطلق و نزدیک به ۸۰ میلیونی به شدت معترض، سست بنیادتر از آن است که حکومتیان می اندیشند. شکاف دهان گشوده بین حکومت و توده های زیر ستم، تنها با تمامی ساختار حکومتی و نظامی و سیاسی آن، یعنی ماشین نظامی و سیاسی و مناسبات اقتصادی آن باید پر شود تا بر آن جامعه ی نوین، شاد، برابر و خالی از ستم و بهره کشی ساختار یابد.


جهان امروز

## تورم افسار گسیخته و مزد ناچیز کارگران

کارگری "حدود پنج میلیون و ۶۸۰ هزار تومان دریافت می کند. تعیین این میزان از حداقل دستمزد در حالی است که دولت هزینه تأمین سبد معیشت کارگران را ۹ میلیون تومان در ماه اعلام کرده بود. حداقل دستمزد تعیین شده برای سال ۱۴۰۱ حتی بر اساس هزینه ای که دولت برای تأمین سبد معیشت یک خانوار کارگری تعیین و اعلام کرده ۴۰ درصد پایین تر از خط فقر است. از همان مقطع تعیین حداقل دستمزد و همچنین تصمیم دولت برای حذف ارز ۴۲۰۰ از واردات بسیاری از اقلام مورد نیاز روزانه، و پیش بینی گرانی و تورم سرسام آور، جای سؤال بود که یک خانواده کارگری چگونه از عهده تأمین هزینه سنگین زندگی بر می آید؟

ما می گوئیم یک کارگر حق دارد و باید که از آسایش و رفاه برخوردار باشد. کارگر و خانواده اش باید در یک مسکن مناسب زندگی کنند. بتوانند غذای با کالری و انرژی کافی بخورند، از آموزش، بهداشت و درمان رایگان برخوردار باشند و خلاصه بتوانند مطابق استانداردهای یک زندگی راحت و آسوده در قرن بیست و یکم زندگی کنند. حداقل دستمزد کارگران باید در حدی باشد که هزینه این زندگی را برای یک خانواده کارگری تأمین کند. تازه آن زمان که حداقل دستمزد کارگران متناسب با تأمین هزینه یک زندگی انسانی و مرفه تعیین گردید، دستمزد تعیین شده باید مرتباً و متناسب با بالا رفتن تورم و بالا رفتن سطح زندگی افزایش یابد. حداقل دستمزد باید بوسیله نمایندگان سراسری منتخب کارگران تعیین و تصویب گردد. کارگران و نمایندگان منتخب آنان صلاحیت دارترین مرجع برای تعیین بهای دستمزد و قیمت فروش نیروی کار کارگران هستند.

در ایران، فاصله حداقل دستمزد تعیین شده از جانب "شورای عالی کار" با هزینه تأمین سبد معیشت کارگران که از جانب خود دولت ۹ میلیون تومان در ماه اعلام شده است، نشان می دهد که رژیم اسلامی سرمایه داران حتی حاضر نیست هزینه بازتولید نیروی کار که چیزی جز هزینه مایحتاج روزانه کارگر و خانواده اش برای خوردن، پوشیدن و بهداشت و سلامت است را بپردازد.


پدیده "تعیین و قانونی کردن حداقل دستمزد زیر خط فقر" اگر چه به یکی از شاخص های بی حقوقی کارگران در ایران تبدیل شده است، اما به تنهایی ماهیت ظالمانه نظام دستمزدها را نشان نمی دهد. در ایران میلیون ها نفر از کارگران و بویژه زنان که بازار کار غیر رسمی و یا در کارگاههای کوچک کار می کنند و از شمول قانون کار خارج هستند، حتی از دریافت این حداقل دستمزد تعیین شده هم محروم می باشند و دستمزدهای  به مراتب پایین تری دریافت می کنند.

آیا کسی هست که نداند دستمزد کارگران چقدر ناچیز و بخور و نمیر است؟ علت چیست که بسیاری از کارگران بجز کار در کارخانه به شغل های دیگر مثل دستفروشی، سیگارفروشی، مسافرکشی و امثال آن روی می آورند؟ در شرایطی که قیمت مایحتاج اولیه و ضروری زندگی هر روزه بالا می رود، دستمزد واقعی و قدرت خرید کارگران هر روز کاهش پیدا می کند. به افزایش قیمت کالاهای اساسی مورد نیاز خانواده های کارگری در یک هفته ای که گذشت توجه کنید.

افزایش ۱۳ برابری نرخ آرد صنعتی، افزایش ۲۰۰ درصدی قیمت ماکارونی، افزایش ۱۳۰ درصدی برنج و افزایش ۱۳۱ درصدی محصولات دارویی، خبر از موج تازه و سرسام آوری از گرانی می دهد. بنا به گزارش ها بعد از افزایش قیمت آرد آزاد، افزایش قیمت نان های معمولی در نانوایی ها به نگرانی جدی خانواده های کارگری و اقشار فرودست جامعه تبدیل شده است. هنوز دو ماه از سال ۱۴۰۱ نگذشته است که این موج گرانی، سبد خرید خانوارهای کارگری را به شدت خالی کرده و دستمزد واقعی کارگران شمول قانون کار را بیش از صد درصد کاهش داده است. با اینحال هر وقت کارگران صحبت از لزوم بالا رفتن دستمزدشان را مطرح می کنند، حکومت اسلامی سرمایه داران ادعا می کنند که این کار تورم را بالا می برد، ولی این دروغ بیشرمانه ای بیش نیست. زیرا همه می بینیم که با وجود کاهش دستمزد واقعی کارگران، تورم روز به روز بالا رفته است. در حقیقت تورم و گرانی و سطح پایین دستمزد کارگران هر دو ریشه در نظام سرمایه داری دارند. از نظر سرمایه داران دستمزد باید در حدی باشد که کارگر، همسر و بچه ها و نسل بعدی کارگران را فقط زنده نگه دارد. سرمایه دار فقط خرج زنده ماندن کارگر را می پردازد و در عوض حاصل کارش را تصاحب می کند.

به آخرین مصوبه شورای عالی کار حکومت اسلامی سرمایه داران در مورد تعیین حداقل دستمزد نگاه کنید. بر اساس مصوبه "شورای عالی کار" رژیم، حداقل دستمزد ماهانه کارگران از رقم ۲ میلیون و ۱۸۰ هزار تومان در سال ۱۴۰۰ به چهار میلیون و ۱۸۰ هزار تومان در سال ۱۴۰۱ افزایش پیدا کرد. به این ترتیب یک کارگر فاقد سوابق و سنوات و فرزند، با احتساب مزایای حق مسکن و "بن



گره ای از مشکلات  آنان باز کند. مردم می دانند که عامل اصلی این گرانی سرسام آور و فقر و بیکاری و محرومیت هایی که به مردم تحمیل شده خود حکومت اسلامی است.

کارگران آگاه و توده تهیدستان شهری می دانند که فقط از طریق مبارزه متحدانه، یکپارچه و سراسری می توان این ورق را برگرداند. مبارزه علیه گرانی سرسام آور و روزافزون کالاهای اساسی مورد نیاز روزانه، مبارزه برای افزایش دستمزد ها متناسب با تأمین یک زندگی انسانی و مبارزه برای تأمین بیمه بیکاری بستر مناسبی برای ایجاد وحدت و یکپارچگی در مبارزات بخش های مختلف جنبش کارگری و توده ای است. بر بستر این مبارزه، اعتصابات و اعتراضات کارگران و معلمان و بازنشستگان و دیگر بخش های جنبش کارگری و اعتراضات خیابانی می توانند به هم پیوندند و سراسری شوند. فعالین کارگری فقط بر بستر دامن زدن به مبارزات کارگران علیه فقر و گرانی و حول مطالباتی که پیش پای جنبش کارگری قرار گرفته است می توانند به امر سراسری کردن اعتراضات و به سازمانیابی کارگران یاری رسانند و افق سرنوینی انقلابی حکومت اسلامی، برپائی حکومت شورائی کارگران، ریشه کن کردن فقر و ایجاد جامعه ای آزاد و مرفه و عاری از هر گونه ستم را پیشروی همه ستمدیدگان و محرومان قرار دهند.



عباس منصوران

## روز جهانی کارگر، در ایران چگونه گذشت!

پی روزهای همه روزه اعتصاب و اعتراض و فریادهای ممنوعه، کارگران به گونه‌ای دیگر به خیابان‌های کار و پیکار شتافتند. اول ماه می سال ۱۴۰۱ خورشیدی، در ایران نیز کوبنده‌تر و با شکوه‌تر از همیشه برگزار شد.

### به یک روز پیش از اول ماه مه بازمی گردیم:

سحرگاه دهم اردیبهشت بود که آدمکشان حکومتی از سران باندهای حکومتی فرمان گرفتند تا سارقانه به گروگان گیری بروند تا اول ماه می بی رونق برگزار شود. اسلاميون حاکم بر مناسبات سرمایه‌داری، هراسان از بیداری مردم، در گرگ و میش دهم اردیبهشت، به خانه‌های کارگران از جمله کارگران بخش آموزش و فرهنگ هجوم آوردند تا با در هم شکستن هرآنچه در خانه بود و با تعرض و تجاوز به حریم خصوصی کارگران، چندین تن را برآیند. نیروهای امنیتی متجاوز، صبح شنبه ۱۰ اردیبهشت با یورش در (تهران)، رسول بدافی، جعفر ابراهیمی، محمد حبیبی و علی اکبر باغانی را با خشونت ترورستی و همراه با بی حرمتی در برابر چشمان کودکان و همسران و اعضای خانواده ربودند. در کردستان نیز عاملان کشتار در شنبه شب ۱۰ اردیبهشت، از آمران کشتار و جنایت‌های حکومتی دستور گرفتند و به سرپناه چند فعال جنبش معلمان و فرهنگیان کردستان (مربوان)، شبیخون زدند و از جمله مسعود نیکخواه و اسکندر (سوران) لطفی، را ربودند، هرچه بود را در هم شکستند و ابزار تماس شخصی آنها را سرقت کردند و هر دو را به بازداشتگاه‌های مخفی بردند. جدا از این هجوم‌ها و ربایش‌ها، دهها تن از فعالین جنبش کارگری از جمله جنبش معلمان را در سقز و سراسر ایران را به دخمه‌های نیروهای امنیت کشاندند. در تهران، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه گزارش داد که ماموران وزارت اطلاعات یک روز مانده به روز جهانی کارگر به سرپناه



حسن سعیدی و داود رضوی از اعضای سندیکا هجوم آوردند اما از بازداشت آنها ناکام ماندند. در این هجوم‌ها و بازداشت‌ها از روز دهم تا روز چهارم اردیبهشت تا کنون بیش از ۱۵۰ تن از فعالین جنبش کارگری به گروگان گرفته شده‌اند.

تهدید کوشندگان جنبش کارگری از جمله معلمان واکنشی زبونه‌ای است برای ایجاد رعب و وحشت. زیرا که شعار حکومت اسلامی سرمایه از همان ابتدای دستیابی به قدرت سیاسی، بنا به سنت صدر اسلام «الفتح من الرعب» بود. داعش وفادارترین این سنت، الگوی رعب و هراس‌افکنی بود و نوباوه‌گان نخستین حکومت

روز اول ماه می یک آیین و مراسمی سالی یکبار نیست، یک اعلام مبارزه مداوم است، یادآور و پیام رسان یک نبرد طبقاتی و تاریخی که سرانجامی جز پیروزی کارگران ندارد. اول ماه می، روز اعلام ضرورت تعیین سرنوشت طبقه کارگر و زنان جامعه و همه ستمبران به دست خویش است. روز اول ماه می، روز اعلام ضرورت سرنوختی قدرت سرمایه‌داران و حکومت‌هایشان از مناسبات سرمایه‌داری و تمامی ابزار حکومتی شان است. این روز، روز اعلام الزامی تسخیر قدرت حکومتی سرمایه‌داران برای نخستین پیش زمینه‌ی تحقق سوسیالیسم است. روز اعلام گزینه‌ی شورایی قدرت سیاسی به شیوه کمون‌های خودگردان و ضرورت سوسیالیسم، یعنی لغو مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و اشتراک در مناسبات اقتصادی و رسیدن به جامعه‌ی انسانی کمونیستی است. روزیکه در فوران و زیر هجوم و توفان جنگ سوم جهانی و تهدیدات کاربرد بمب‌های اتمی توسطه الیگارش‌ها یعنی خانواده‌های حکومتگر در روسیه از یک سوی و در سوی دیگر هم‌پیمانان نظامی - تهاجمی ناتو به رهبری ایالات متحده آمریکا، طبقه کارگر جهانی در سراسر جهان با پرچم‌های سُرخ، خیابان‌ها را تسخیر کردند. روز اول ماه می، در سراسر جهان، نماد چنین روزی است.

روز یکشنبه اول ماه می ۲۰۲۲، خیابان‌ها در سراسر جهان سرشار از شعار و مطالبه بود. روزیکه جهان به رنگ سُرخ درخشیدن گرفت و با خواست سوسیالیسم پژواک یافت. با بازنگری بر درونمایه و رویکرد و مفهوم سیاسی این شعارها و کارکردهای میدانی و خیابانی کارگران، به ویژه در روز اول ماه می، هر ناظر غیرجانبداری را به این دریافت می‌رساند که جنبش کارگری در ایران تا حد زیادی از دست

اندازه‌های صنفی‌گری و سندیکالیستی صنفی و رفرمیستی که پراکندگی طبقاتی در برنامه دارند، نه تنها عبور کرده، بلکه در برابر آن‌ها ایستاده و در پراتیک خویش، گزینه‌ی رویکرد شورایی و طبقاتی و سیاسی خویش را در نفی سیاست‌ها و ایدئولوژی حاکم طبقه حاکم به‌سان آنتی‌تر مبارزه طبقاتی، پیش‌رو می‌گذارد است.

روز اول ماه می امسال روز باز پس گیری خیابان‌ها بود، از شیلی تا آلمان و آرژانتین، تا ترکیه‌ی زیر حکومت فاشیست‌های مذهبی و اسپانیا و تا هر کجای جهان که نیروی کاری استثمار می‌شود. در ایران اما روز بسیار دگرگونی بود. روزهای که در

با توجه به سرسختی سرمایه داران برای پایین نگه داشتن حداقل دستمزدها، تعیین حداقل دستمزدها متناسب با هزینه تأمین یک زندگی انسانی، و تعیین خط قرمز برای سرمایه داران در پایین نگه داشتن دستمزدها به یکی از مطالبات کارگران و به یکی از گره‌گشاهای جنبش کارگری ایران تبدیل شده است. بخش پیشرو جنبش کارگری ایران به عنوان بخشی از جنبش طبقه کارگر جهانی با این هدف که کم درآمدترین بخش طبقه کارگر نیز بتواند با توجه به سطح تورم واقعی، نیازمندیهای اساسی زندگی خود را تأمین نماید، بر افزایش حداقل دستمزدها تأکید می‌کند.

در این اوضاع بحرانی و پر هرج و مرج و آکنده از فساد نظام سرمایه داری ایران، که همه امور بر قانونمندی مبارزه طبقاتی استوار است، کارگران برای آنکه بتوانند هزینه بازتولید نیروی کارشان را به سرمایه داران و دولت تحمیل کنند و هزینه نیازمندیهای اساسی زندگی خود را تأمین نمایند راهی جز متشکل کردن اراده خود ندارند. در این نبرد طبقاتی، کارگران به همان میزان که نیروی طبقاتی خود را متحد و همبسته و سازمانیافته به میدان آورند می‌توانند از پس طبقه سرمایه دار و دولت اسلامی حامی آن بر آیند و دستمزد متناسب با تأمین یک زندگی انسانی را به سرمایه داران تحمیل کنند.

اسلامی در تاریخ اسلام که سال ۱۳۵۷ در ایران به قدرت رسید. به فرمان خمینی، برای حفظ حاکمیت ضد انسانی خود، این بود «همه روزها را عاشورا و همه جا را کربلا کنید». این فرمان خونبار الگو گرفته از جنگ طایفه‌ای اسلام سیاسی برای دست یابی به قدرت در ۱۴۰۰ سال پیش در صحرای عربستان، ایجاد بحران و حاکمیت هراس و خون بود. این ایدئولوژی، ماندگاری در قدرت را در گرو برقراری سایه‌ی ترور و وحشت در جامعه می‌دانست. این حاکمیت، تا کنون با تکیه بر چنین سیاستی، با کشتار و شکنجه و فساد نهادینه شده و میدان‌های تیر و دار و سرکوب، پاشیدن اسید و آتش و شلیک فرمان رانده است. این سلاح‌ها دیگر کارایی خود را از دست داده است. سلاح رعب و ایدئولوژی اسلامی پوسیده و کند شده‌اند. حکومت ترور، درمانده از حکمرانی به شیوه‌ی سابق، دیگر قادر به پیشبرد سیاست‌ها و حکومت‌اش نیست. اینک در برهه‌ی رو به اعتلاء و بالندگی جنبش کارگری و اعتراض‌های سیاسی و اجتماعی، حکومت در انتقام شکست به تفل‌های پیش از مرگ می‌پردازد.

ناتوانی و زبونی حکومت از سویی و در سوی دیگر مقاومت و ایستادگی با شکوه زندانیان سیاسی، زنان و مردان رزمنده و مقاوم در زندان‌ها بیانگر نبردی است که در زندان‌ها و سراسر ایران در زندان، همانند رودی خروشان جاری است. درماندگی حکومت اسلامی سرمایه را همین بس که در چنین شرایطی، به ریاض و مسموم ساختن زندانیان سیاسی شتاب بخشیده است. رزمندگی سپیده‌قلیان، این زن آگاه و پیشتاز جنبش کارگری به گروگان گرفته شده و زینب جلالیان سرفراز و اسیر و مقاومت ۱۵ ساله زندان در زندان او و نیز زبونی رژیم اسلامی سرمایه را در برابر اراده‌ی شکست ناپذیر زنان انقلابی به نمایش گذارده‌اند. بازداشت نوشین کشاورزینا، پژوهشگر و فعال حقوق زنان، منصوره عرفانیان (مشهد) فاطمه بهمنی در اراک و دهها تن دیگر از زنان پیشتاز جنبش برابری نمونه‌ای از هراس رژیم از پتانسیل انقلابی زنان است.

وضعیت بهنام موسیوند در شانزدهمین روز اعتصاب غذا، عفو بین‌الملل نیز درباره وضعیت سعدا خدیزاده، زندانی باردار و در حال اعتصاب غذا در زندان ارومیه، هشدار داد. بهنام موسیوند، فعال مدنی، از ۳۰ فروردین و پس از آنکه هنگام اعزام به بیمارستان مورد ضرب و شتم ماموران در زندان رجایی‌شهر قرار گرفت دست به اعتصاب غذا زد. در پی شیخون‌ها روز دهم و یازدهم، در روز

۱۲ اردیبهشت ماه، شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان نیز از بازداشت دست‌کم «۴۰ نفر» از معترضان خبر داد. اما شمار دستگیر شده‌گان افزون بر ۱۵۰ تن گزارش شده است. شعار آموزگاران این است: زندان‌ها را از معلمین پُر کنید!

منیره عربشاهی، فریبا اسدی‌ها، فریاد سهیلا حجاب از زندان، اعتصاب غذای اسماعیل عبدی، اسکندر (سوران) لطفی و مسعود نیک‌خواه، سه معلم و فعال زندانی، از روز ۱۱ اردیبهشت اعتصاب غذا کرده‌اند و ابوالفضل رحیمی‌شاد، فعال صنفی معلمان، از روز ۱۲ اردیبهشت در همراهی با این زندانیان و در پشتیبانی از جنبش کارگری دست به اعتصاب غذا زده‌اند، و بهنام موسیوند پس از شکنجه، در هشتمین روز اعتصاب؛ از زندان اوین به بیمارستان منتقل شده و در آستانه‌ی مرگ قرار گرفته است. این جنایت‌ها و مرگ یک زندانی در زندان کامیاران همه و همه، نشانه‌ی طبقاتی شدن و اراده‌ی مبارزاتی است که با رویکرد همبستگی طبقاتی و آگاهی جمعی و سراسری اتحاد، مبارزه، پیروزی را نوید می‌دهند.

روز ۱۱ اردیبهشت، در بوشهر نیروهای سرکوبگر نظامی، همانند بسیاری از شهرهای ایران در روز جهانی کارگر، با یورش به همایش معلمان شماری از آنها را همراه با ضرب و شتم دستگیر کردند. تا این لحظه نام‌های: حمید خجسته، اردشیر صیادی، یوسف صیادی، فریدون شفیعی، محمود ملاکی و محسن عمرانی از معلمان دستگیر شده در بوشهر، مشخص شده است. بهنام موسیوند در شانزدهمین روز اعتصاب غذا در آستانه مرگ قرار گرفته. بهنام از دستگیر شدگان خیزش آبان ماه ۹۸ از ۳۰ فروردین ماه ۱۴۰۱ و پس درخواست اعزام به بیمارستان مورد ضرب و شتم ماموران در زندان رجایی‌شهر قرار گرفت، دست به اعتصاب غذا زده است. زندانی سیاسی، سعدا خدیزاده، در ۸ ماهگی بارداری خود در اسارت، در حال اعتصاب غذا در زندان ارومیه، با مرگ خود و فرزندش روبرو است.

در روز جهانی کارگر، دهها شهر دیگر تسخیر خیابان‌ها بود. آموزگاران، بیش از ده سال است که با خواست اجرای کامل قانون رتبه بندی فرهنگیان شاغل، قانون همسان سازی حقوق بازنشستگان، «رسمی شدن نیروهای استخدام موقت، نیروهای خدمات آموزشی، آموزشیاران نهضت و مربیان پیش دبستانی» در محل کار و خیابان‌ها فریاد می‌زنند. «پرداخت پاداش پایان خدمت فرهنگیان سال ۱۴۰۰»، «بهبود معیشت نیروهای خدماتی»، «اجرای اصل ۳۰

قانون اساسی» از جمله خواست‌هایی هستند که پیوسته در برابر ماشین سرکوب حکومت اسلامی از زندان‌ها و ایرانی که در زندان است پژواک می‌یابند.

«آزادی معلمان زندانی»، «آموزش رایگان و با کیفیت برای دانش آموزان»، «پرداخت بیمه دانش آموزان» و نیز «تشکیل کلاسهای درس با ظرفیت حداکثر ۱۶ دانش آموز» از جمله مطالبات معلمان معترض هستند. معلمان و فرهنگیان شاغل و بازنشسته در سنگر خیابان‌ها، در روز جهانی کارگر، با صدور قطعنامه پایانی نوشتند: تا زمانی که مطالبات فرهنگیان محقق نگردد ما خیابان را ترک نخواهیم کرد. خیابان از آن ماست تا زمانی که تمام مطالبات محقق گردد سرکوب و زندان و پرونده سازی قادر نیست جنبش معلمان را یک گام به عقب براند.

در همایش این روز نگاشته بر بنرها و پوسترهای آموزگاران، فریاد «معلم زندانی آزاد باید گردد»، تحصیل رایگان برای مردم ایران، «درمان رایگان، برای همه»، «تجمع اعتراضی معلمان و بازنشستگان به نابرابری‌ها»، «نه به کالایی شدن آموزش»، «اجرای همسان سازی بدون حقه بازی»، «اجرای رتبه بندی حق مسلم ماست». برافراشته بودند.

در کیفر خواست معلمان به سان بخش پُرتوان و آگاه طبقه کارگر، اعلام شد: ما با صدای رسا اعلام می‌کنیم که مطالبات ما بخشی از حقوق انسانی و اولیه ماست، تشکل یابی و تجمع حق مسلم ماست.

در شوش کارگران مجتمع نیشکرهفت تپه و دیگر بخش‌های کارگری، با راهپیمایی و شعار مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر! روز کارگر را پیروز باد گفتند. در اهواز کارگران فولاد و دیگر بخش‌های صنعتی و خدماتی با شعار «خیلی دروغ شنیدیم، اما حقوق ندیدیم!» به اعتراض پرداختند. در کرج گردهمایی اول مه، کارگران در برابر «تامین اجتماعی» به غارت برده شده، برپا شد و همایش‌گران با شعار «دولت غارتگران، دشمن کارگران» و در مشهد شعار «کارگر اتحاد، اتحاد» بر فضای خیابان‌های روبروی اداره‌ی «تامین اجتماعی» شور آفرین بود. در تهران از همان صبح‌گاه، در برابر مجلس و برخی ارگان‌های حساس، حکومت نظامی برقرار شده بود و یگانهای ویژه و بسیج و اوباشان حکومتی، در برابر بهارستان روبروی مجلس اسلامی، موضع جنگی به خود گرفته بودند.

شعارهای برجسته همایشگران، نشان از اتحاد طبقاتی و همبستگی و رویکرد انقلابی داشتند: «کارگر، معلم، دانشجو، اتحاد،

## جهان امروز

نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یک بار منتشر می شود!

زیر نظر هیئت تحریریه

سردبیر: هلمت احمدیان

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

halmatean@hotmail.com

- \* جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می کند.
- \* استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
- \* مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.
- \* جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می رسد.
- \* مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه ۴۱ با سایز ۱۲ است.

تلفن با  
کمیته تشکیلات دلال کشور  
حزب کمونیست ایران

hvefaalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

۰۰۹۶۴۷۷۰۰۶۰۳۶۵۳  
۰۰۴۳۶۶۰۱۱۹۵۹۰۷  
۰۰۴۶۷۳۷۱۵۴۴۱۸  
۰۰۴۶۷۳۶۸۷۳۰۱۴

تلفن با  
کمیته تشکیلات  
دلال کومه له (تکس)

takesh.komalah@gmail.com

کارگران ایران، در هفت تپه در روز جهانی کارگر، پلاتفرم اعلام چنین رویکردی بود:

بر سکوی هفت تپه در این روز از سپیده قلیان در زندان و همه‌ی آنانی که در دفاع از کارگران دفاع کرده و به زندان افکنده شده‌اند قدردانی کردند. ابراهیم عباسی و یوسف بهمنی در این روز از جنبش کارگی و خواست‌های این جنبش و کارگران هفت تپه گفتند. ابراهیم عباسی از درد جامعه گفت و «مسئولینی که در آن بالا خیانت کردند ستم کردند و نقابداری کردند. این درد جامعه ماست که مسئولین و ریاکار و نقابدار همه چیز را برای خود می‌دانند و کارگر را از بالا به پایین با این دید نگاه می‌کنند.» و افزود که «این شعار من است: «سیسمونی ترکی‌باف، سهم نوهی قالبیاف» و کارگران یکصدا تکرار کردند. و شعار داده شده «لعنت بر ستمگر! لعنت بر ضد کارگران، لعنت بر جنگ‌افروزان، لعنت بر رانت خوار لعنت به کسیکه به صیانت اینترنتی رای بدهد..»

بر سکوی هفت تپه، درخواست بازگشت به کار اسماعیل بخشی و بیژن سالارپور، از نمایندگان کارگران این شرکت شدند. کارگران به ظلم و ستم و فشار بر همه گروه‌های اجتماعی از جمله کارگران، بازنشستگان و معلمان، به رانت‌خواری، تصمیم‌گیری بدون توجه به منافع جمعی کارگران، طرح خفقان آور «صیانت از اینترنت» اعتراض کردند. تعیین تکلیف وضعیت قرارداد کارگران فصلی و مخومه اعلام‌شدن پرونده فرزانه زیلابی، وکیل کارگران نیز از دیگر مطالبات کارگران در روز جهانی کارگر بودند.

ترس‌ها فروریخته و طبقه کارگر به میدان آمده است. اینک لشکر افزون بر ۵۰ میلیونی کارگران و تهی‌دستان در راهند. پیش‌تازان این لشکر، از دی سال ۹۶ به میدان آمدند تا بار دیگر با تسخیر خیابان‌ها در بیش از ۱۲۰ شهر و شهرستان ایران، نیروی طبقاتی و انقلابی خود و قدرت ضدانقلابی حاکمیت را برای نبرد نهایی ارزیابی کنند و بسنجند. طبقه کارگر و تهی‌دستان و زحمتشکان و در خیابان‌ها آزادی جامعه و ضرورت سرنگونی حاکمیت را فریاد زدند و در آبان ماه ۹۸ کوبنده تر و خروشان تر از پیش، با دستان بی سلاح نهادهای مسلح و پایگاه‌ها بسیج و مزدوران حکومتی را زیر ضرب گرفتند تا شرایط و روزهای نقد انقلابی و نهایی این مناسبات به زودی فرارسد.

سخنرانی کامل ابراهیم عباسی منجری و غلام حمدانی و یوسف بهمنی در روز جهانی کارگر ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۱

<https://t.me/kargaranevtape/11549>

اتحاد!، "معلم، منزلت، آزادی، عدالت"، "نگ ما، نگ ما، وزیر الدنگ ما"، "معلم زندانی آزاد باید گردد!"، "معلم، داد بزن، حق تو فریاد بزن!"، "آموزش رایگان حق مردم ایران!"، "فریاد فریاد از این همه بیداد!" «رئیس - قالبیاف این آخرین پیام است جنبش معلمان آماده قیام است!»

در این جا، تنها سخن از شورش گرسنگان نیست، تنها سخن از نبود نان و آب و دارو و درمان نیست، سخن از سوختن جوانه‌ها و شاخه‌های سرسبز و دشت‌ها نیست، سخن از ضرورت سرنگونی حکومتی است که ابزار ستمگری طبقاتی و مدیریت تمامی این فلاکت‌هاست. سخن از اتحاد و مبارزه و پیروزی است. در هر شعار در خیابان‌های جنبش، رگبارهای سرنگونی شلیک می‌شود.

حبیب افکاری، برادر کارگر آگاه و رزمنده، نوید افکاری به دار آویخته شده در شیراز در آستانه اول ماه مه، کارگر آگاه، که تا چند هفته پیش زیر شکنجه و در اسارت بود، به نمایندگی از برادرانش نوید و وحید، بیانیه‌ای در همبستگی طبقاتی منتشر کرد که: «هم‌پیمان شدن دو جنبش معلمان و کارگران در یازدهم اردیبهشت را خجسته» می‌دانند و از آن «حمایت» می‌کنند.

او خود و برادرانش وحید و نوید را «برآمده از جنبش‌های کارگری» خواند و نوشت: «این گونه به هم پیوستن جنبش‌هایی که سالها در خیابان تجربه دارند، می‌تواند هسته اصلی یک جنبش اجتماعی تاریخ ساز در ایران گردد.»

این کارگر پیشرو و مقاوم، در این بیانیه افزود: «همان گونه که مستحضرید مناسبت‌های مربوط به معلمان و کارگران پیش روی ماست. ما برادران افکاری که از دل جنبش‌های اعتراضی سال‌های گذشته بیرون آمده‌ایم، هم پیمان شدن دو جنبش معلمان و کارگران در روز یازدهم اردیبهشت را خجسته می‌دانیم و از آنان حمایت می‌کنیم. این گونه به هم پیوستن جنبش‌هایی که سالها در خیابان تجربه دارند، می‌تواند هسته اصلی یک جنبش اجتماعی تاریخ ساز در ایران گردد. پیوستن جنبش معلمان به جنبش کارگران می‌تواند فراخوانی برای پیوستن خُرده جنبش‌های مطالباتی بوده و همه را برای دست یازیدن به هدفی مشترک یکپارچه کند و به این طریق همه ما آماده رزمی خیابانی برای نجات ایران و نجات زندگی شویم.

ما برادران افکاری کنار معلمان و کارگران خواهیم بود و از تمامی گروه‌ها، اقشار، اصناف و طبقات تحت ستم درخواست می‌کنیم به این جنبش‌ها بپیوندند تا دوشادوش هم از این بن بست رهایی یابیم...»

سخنرانان روز اول ماه می، ابراهیم عباسی منجری و یوسف بهمنی و غلام حمدانی بر سکوی شورایی

## ضرورت‌ها و راه‌های پیوند جنبش‌های اجتماعی و سیاسی

جامعه‌ی ایران آستان تحولات بزرگی است. از این رو آمادگی برای مواجهه با فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌رو امری خطیر را در دستور کار مبارزات جنبش‌های اجتماعی و نیروهای چپ و سوسیالیستی قرار داده است. در واقع روند رو به گسترش نارضایتی‌های اجتماعی و سیاسی در گوشه‌وکنار ایران سیمای سیاسی جامعه را دستخوش دگرگونی‌های فراوانی قرار داده است و جامعه را گام‌به‌گام به سوی موقعیت انقلابی سوق می‌دهد. به میزانی که ضرب‌آهنگ اعتراضات و اعتصابات جنبش‌های رادیکال اجتماعی سرعت می‌گیرد، ضرورت پیوند خوردن این جنبش‌ها در سطح سراسری فوریت بیشتری پیدا می‌کند. در صورتی که رشد کمی این اعتراضات منجر به هماهنگی و هم‌پیوندی میان جنبش پر قدرت کارگری و دیگر جنبش‌های پیشرو اجتماعی در سطوح مختلف نشود، تداوم و استقامت این مبارزات را با مشکل مواجه خواهد کرد و به تبع آن ارتقای کیفی آن را تا سطح وارد شدن به موقعیت انقلابی به تأخیر خواهد انداخت. یکی از مؤلفه‌های اصلی در پیوند خوردن این جنبش با هم، طرح مطالبات و شعارهای مشترکی است که به مثابه حلقه‌ی واسطه و عنصر هماهنگ‌کننده میان بخش‌های مختلف جنبش کارگری با دیگر جنبش‌های رادیکال اجتماعی عمل می‌کند. اینجا صرفاً سه مطالبه را به اختصار بر می‌شماریم.

یکم، طرح مطالبه‌ی افزایش دستمزدها یکی از گره‌ی‌ترین کیفرخواست‌هایی است که قادر است آهنگ جنبش طبقه‌ی کارگر در بخش‌های مختلف - از اعتراض و اعتصاب کارگران در مراکز تولیدی و صنعتی، حمل و نقل، خدمات عمومی و بهداشت و سلامت تا تحصن و تجمع معلمان و بازنشستگان - را با هم هم‌نوا سازد و توده‌ی وسیع‌تری از مزدبگیران جامعه را به حرکت درآورد و آنان را در سطوح مختلف به هم پیوند بزند. ما در شرایطی قرار گرفته‌ایم که فقر و فلاکت و گرسنگی در گستره‌ی جغرافیای ایران بیداد می‌کند و تورم و گرانی به شکل افسارگسیخته‌ای افزایش می‌یابد و گلوی کارگران و تهیدستان جامعه را می‌فشارد. حداقل دستمزد ماهانه‌ی کارگران از سوی نهادهای ضدکارگری و رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی تا چندمرتبه زیر خط فقر پایین نگاه داشته شده و به تبع آن قدرت خرید توده‌های کارگر و ستمدیده‌ی جامعه پیوسته رو به کاهش است. بر متن چنین شرایطی مطالبه‌ی افزایش دستمزدها و بهرمندی از یک زندگی شایسته‌ی

انسان، پتانسیل بالفعل و بالقوه‌ی گره‌خوردن وسیع‌ترین نیروهای کار و زحمت را در خود نهفته دارد. این مطالبه نه تنها لازم است به کیفرخواست طبقه‌ی کارگر در سطح سراسری و در سپهرهای مختلف اقتصادی و اجتماعی تبدیل شود، بلکه ضروری است در صدر مطالبات دیگر جنبش‌های اعتراضی نیز قرار بگیرد تا همبستگی طبقاتی و اتحاد جنبش‌های اجتماعی معنای عملی پیدا کند. تحمیل هراندازه از افزایش دستمزدها بر سرمایه‌داران و دولت حاکم، نیروی مبارزاتی و توازن قوای طبقاتی به نفع اکثریت مردم کارگر و زحمتکش را تقویت خواهد کرد و توش و توان بیشتری به همه‌ی جنبش‌های اجتماعی و طبقاتی علیه نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی خواهد بخشید. دوم، مطالبه‌ی تحصیل رایگان یکی دیگر از خواست‌هایی است که طی سال‌های گذشته در صدر مطالبات جنبش طبقاتی معلمان و جنبش دانشجویی چپ و پیشرو قرار گرفته است. در گام نخست، این شعار توانسته است همبستگی و مشارکت دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان در اعتصابات و اعتراضات خیابانی معلمان را فراهم آورد. مسلماً فشار افزایش سرسام‌آور هزینه‌های تحصیل در مدارس و دانشگاه‌ها بیش از هر چیزی بر دوش خانواده‌های کارگری و تهیدست سنگینی می‌کند و در نتیجه‌ی آن بسیاری از کودکان مجبور به ترک تحصیل شده و به خیل عظیم کودکان کار و خیابان پیوسته‌اند. از این رو طرح این شعار در کنار دیگر خواست و مطالبات برحق کارگران از اهمیت به‌سزایی برخوردار است و می‌تواند حلقه‌ی پیوند و همبستگی میان همه‌ی جنبش‌های اجتماعی ایجاد کند. تحقق هر درجه از مطالبه‌ی آموزش رایگان برای همه‌ی دانش‌آموزان و دانشجویان بر رژیم جمهوری اسلامی، باری ولو کوچک از روی شانه‌های نحیف خانواده‌های کارگری و فرودست جامعه کم می‌کند و تعرضی جدی به سیاست‌های کلان اقتصادی جمهوری اسلامی خواهد بود. بنابراین ضروری است این مطالبه در لیست کیفرخواست همه‌ی بخش‌های طبقه‌ی کارگر قرار بگیرد تا همبستگی طبقاتی و اجتماعی وسیع‌تری را در جامعه شکل دهد. سوم، مطالبه‌ی برابری زنان و مردان در همه‌ی عرصه‌های حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یکی دیگر از فاکتورهایی است که زمینه‌ی عینی برای به‌حرکت درآوردن توده‌ی وسیع‌تری از زنان که نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند، را تسهیل می‌کند. بر همگان آشکار است که قوانین مردسالارانه و ضدزن، تحقیر





## با تمام نیرو از مطالبات و اعتراضات سراسری معلمان حمایت کنیم!

رژیم در روزهای منتهی به اول ماه و همچنین اول ماه گسترده ترین هجومش را به فعالین کارگری و معلمان آغاز کرد. این امر بیش از همه نشانه ترس رژیم بود. برای اول ماه مه دهها فراخوان و قطعنامه از جانب تشکل های مستقل کارگری، فرهنگیان، بازنشستگان و زنان داده شده بود. این فراخوانها در بستر حدود سه هزار اعتراض و اعتصاب بخشهای مختلف جنبش کارگری در طول سال گذشته انتشار می یافتند. حتی معلمان با جلو انداختن روز معلم از دوازدهم اردیبهشت به یازدهم اردیبهشت گام ارزنده، مهم و قابل تقدیری برای حضور مشترک کارگران، فرهنگیان و بازنشستگان برداشته بودند. همه اینها پیامهایی بودند که رژیم را به هراس افکندند. اکنون دیگر فراخوانها تنها خود را به مطالبات

اقتصادی محدود نکرده و در بسیاری از موارد مطالبات سیاسی را در فراخوانها خود گنجانده بودند و این چیزی جز اعلام نبرد سیاسی مزد و حقوق بگیران علیه رژیم سرمایه داری - مدهبی نبود. جواب رژیم به این فراخوانها وعزم و اراده جنبش کارگری برای بزرگداشت روز رزم جهانی خود، گسترش سرکوب بود. نه تنها در روزهای قبل دهها تن از فعالین کارگری و معلمان دستگیر شدند، بلکه صدها تن از فعالین احضاریه و اختاریه دریافت کردند. اوج این توحش در هجوم نیروهای سرکوبگر به تجمعات در روز اول ماه مه بود. تهران در اطراف میدان بهارستان حالت حکومت نظامی را به خود گرفته بود. و این خود

نشان میداد که رژیم چه اندازه از همبستگی و وحدت عمل و اراده کارگران وحشت دارد. به جرأت میتوانیم بگوئیم که این اولین بار بود که فرهنگیان، بازنشستگان و کارگران بیکار و شاغل، دانشجویان و خانواده ها در کنار هم دست به راه پیمائی میزدند. اسماعیل عبدی از زندان پیام تبریک اول ماه مه فرستاد و اعلام کرد در اعتراض به دستگیریها اعتصاب غذای خود را آغاز کرده است.

دستگیریهای اول ماه در ایران موجی از همبستگی جهانی بویژه از جانب اتحادیه های معلمان با معلمان ایران را

ظاهر میشوند بلکه نشان دادند که با وجود تمام سرکوبگرها و بگیر و ببندهای رژیم میتوان با عزم و اراده ای متحد به یکی از اساسیترین کمبودهای جنبش کارگری ایران یعنی تشکلهای توده ای سرتاسری پاسخی در خور داد و همین امر سبب گردیده است که آنها به یک مؤلفه اساسی در تصویر سیمای اعتراضات و اعتصابات در جامعه تبدیل شوند. اکنون هفته ها و ماهها هست که آنان با تجمعات سرتاسری خود، مطالباتشان را فریاد میزنند. مطالباتی که در بسیاری از موارد مطالبات مشترک آحاد مختلف جنبش کارگری ایران است. یادمان نرفته است که در روزهای نهم، دهم و یازدهم بهمن ماه دهها هزار معلم در بیش از دویست شهر و منطقه دست به اعتصاب و تجمعات اعتراضی



زندان. آنان همانند تجمعات ماههای گذشته خود، خواستار رفع تبعیض، پایان بی عدالتی، افزایش حقوق، آزادی معلمان زندانی، آموزش رایگان دانش آموزان، مخالفت با روند کنونی خصوصی سازی حوزه آموزش، همسان سازی بازنشستگان مبتنی بر قانون مدیریت خدمات کشوری و اجرای قانون رتبه بندی مشاغل شده بودند.

پاسخ رژیم اما از سوئی سرکوب و از سوی دیگر تصویب لایحه ای در مجلس رژیم بود که معلمان بدرستی آنرا لایحه "خددعه بندی" به جای "رتبه بندی" نامیدند. اینبار نیز

به فراخوان "شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان" روز پنجشنبه بیست و دوم اردیبهشت مجدداً معلمان علی رغم تهدید، بازجویی و دستگیری فعالین فرهنگی آر حدود ۴۰ شهر دست به اعتراض زدند.

شورای هماهنگی در فراخوانش برای این تجمعات با برشمردن لیستی از مطالباتشان که همچنان بدون جواب مانده است، نوشته اند: "سال های بسیاری است که آموزش رایگان و معیشت عادلانه معلمان به گروگان تدابیر و تصمیماتی گرفته شده که دستاوردی جز تبعیض، بی عدالتی، فقر، آموزش ناکارآمد، تربیت فشل و تولید افسردگی و ناهنجاری" نداشته است. آنان خطاب به معلمان و مردم و با شرح سرکوبگرهای رژیم ادامه میدهند که:

"در هفته ای که در تقویم ملی مان به نام معلم مزین شده است، حاکمیت، در سراسر کشور، با احضار و پرونده سازی علیه فعالان صنفی معلمان، نشان داد که اهمیت مقام معلم که سالها از آن دم می زند، سراب و فریبی بیش نبوده است. از صبح روز دهم اردیبهشت، عوامل حاکمیت با یورش قرون وسطایی به منازل چهار نفر از خدمتگزاران شریف و صادق جامعه معلمان، آقایان رسول بدافی، محمد حبیبی، جعفر ابراهیمی و علی اکبر باغانی، آن ها را دستگیر و به زندان اوین منتقل کردند. پروژه سرکوب علیه کنشگران، به همین جا ختم نشد و صبح روز دهم اردیبهشت، در حرکتی به زعم خود گسترده، بسیاری از معلمان در شهرهای مختلف کشور را تهدید، احضار و بازداشت کردند که این احضارها و تهدیدها، عموماً در جهت تحت فشار قراردادن

کنشگران صنفی و لغو تجمع اعتراضی یازدهم اردیبهشت بود. هم چنین، صبح روز یازدهم اردیبهشت، پیش و پس از تجمع، بسیاری از کنشگران صنفی دستگیر شدند که از آن جمع، آقایان: اسکندر لطفی، مسعود نیکخواه، محسن عمرانی، محمود ملاکی، اصغر حاجب، رضا امانی فر و هادی صادق زاده هنوز در زندان به سر می برند."

بدون تردید جنبش فرهنگیان در جریان سالهای اخیر به یکی از جنبشهای قدرتمند مطالباتی در جامعه تبدیل شده است. آنها با ایجاد تشکل سرتاسری نه تنها با قدرت بیشتری



## واکنش سیدعلی صالحی شاعر و نویسنده مردمی به گسترش و ژرفایابی فقر در جامعه:

\*چقدر خوشحالم که حتی دربان هیچ سازمان و وزارتخانه‌ای نیستم، وگرنه از شدت مسئولیت مستقیم... دق می‌کردم.

\*کودک فقیری که گرسنه بخوابد، سیاره‌ای بر سر مُسبب این مرارت خراب خواهد شد.

\*قرار بود «فقر» را ریشه‌کن کنید؛ «فقیر» را مقصر به میدانِ تازیانه طلب می‌کنید!



ما باید روی تمام دیوارها  
کلماتی روشن تر از نشانی نور بنویسیم.  
مادران ما می‌گفتند  
نمی‌شود از نور  
سمت خاموشی خواب رفت و ترسید.  
اما از تاریکی گه به درآیی  
تمام دریاها از دور پیداست.

برای همین برخاستن است  
که گاهی باید زمین بخوریم!

بله  
این یک شعر کاملاً سیاسی است  
شما حق ندارید کلمه‌ی پوزخند  
و قیچی را به یاد آورید!

شوخی می‌کنم آقا  
کوچه پر از گلدان‌های شکسته است  
به زودی ماشین رفتگران شهرداری سر خواهد رسید  
همه چیز درست خواهد شد.  
آرامش نهایی نی‌زار  
خبر از تاریکیِ بادهای بی‌دلیل نمی‌دهد.

نگران ردپای کلمات ما  
بر این کوچه‌ی بی‌نام و بی‌انتها نباش  
این‌ها همه حرف است  
که هی حرف توی حرف می‌آید!

در پی داشت. آنها در  
پیام‌های همبستگی  
خود ضمن محکوم  
کردن وحشیگریهای رژیم  
خواهان آزادی دستگیر  
شدگان گشتند. از جمله  
پنج سندیکای فرانسوی در  
یک پیام مشترک نوشتند  
که: «ما اخراج‌های ناعادلانه،  
حبس‌ها و فشارهای قضایی  
علیه کسانی که از حقوق  
اساسی خود دفاع می‌کنند  
و خواستار آزادی سندیکا  
هستند را محکوم می‌کنیم. ما  
برای آزادی بی‌قید و شرط  
همه سندکالیست‌های زندانی  
تلاش می‌کنیم و در جهت  
کمک به پایان دادن به این  
شرایط غیرقابل قبول، به  
افشای هر چه بیشتر موارد  
سرکوب ادامه خواهیم داد.  
به مناسبت اول ماه مه، روز  
جهانی همبستگی، ما بار دیگر  
حمایت بی‌دریغ خود را از  
شما در نبرد سختی که برای  
آزادی همه زنان و مردان،  
برای کرامت زنان و مردان  
زحمتکش، برای رعایت  
حقوق بشر به پیش می‌برید،  
تجدید می‌کنیم.»

معلمان با تأکید بر خواست  
آزادی معلمان در بند، با  
خواست تحصیل رایگان برای  
همه کودکان و رفع تبعیض‌ها  
و افزایش حقوق‌ها به بالای خط  
فقر و خواست منع خصوصی  
سازی و کلایبی شدن آموزش  
و درمان رایگان، در عالم واقع  
خواستهای کارگران و بخش  
های وسیعی از مزدبگیران و  
اقتدار فرودست جامعه را نیز  
مطرح کرده‌اند. اگر معلمان  
در روز اول ماه مه امسال بازو  
در بازوی دیگر بخش‌های  
طبقه کارگر و بازنشستگان  
خواست‌های خود را فریاد  
زدند ریشه در همین واقعیات  
دارد.

## ثبت جنایات و پرونده گشوده‌ی قتل عام‌ها و محاکمه سران حکومت اسلامی



جریان بود. در مرحله نهایی درگیری مسلحانه، شاخه مسلح سازمان سیاسی مجاهدین خلق ایران (مجاهدین) چند بار به ایران حمله کرد، از جمله در ۴ مرداد ۱۳۶۷ (تاریخ درست ۳ مرداد است)، که بدین ترتیب مجاهدین بخشی از درگیری مسلحانه بین‌المللی شدند. این حملات از خاک عراق آغاز و با پشتیبانی و همکاری ارتش عراق انجام می‌شد. و در ادامه آمده است: «... خمینی به ویژه به دلیل حمله ۴ مرداد ۱۳۶۷، به فاصله کوتاهی فتوایی صادر کرد که همه زندانیان عضو یا هوادار سازمان مجاهدین که سر موضع یا وفادار به اعتقاداتشان هستند اعدام شوند.

### کیفرخواست حمید نوری از سوی دادستان سوئد به صورت زیر اعلام شد:

«یکم- مشارکت مستقیم در صدور و اجرای احکام اعدام هیئت دادگاه‌گونه که به فتوای خمینی تشکیل شد و روال رسیدگی‌اش مغایر موازین پایه محاکمه عادلانه تحت قوانین بشردوستانه بود، از جمله با انتخاب زندانیان برای مواجهه با هیئت (مرگ)، آوردن و تحت نظر قرار دادن آنها در به اصطلاح راهروی مرگ، خواندن اسامی برای مواجهه با هیئت، آوردن آنها در مقابل هیئت، دادن اطلاعات شفاهی و کتبی درباره زندانیان به هیئت، خواندن اسامی زندانیانی که باید اعدام می‌شدند، به صف کردن زندانیان و هدایت آنها به محل اعدام که سپس حلق آویز و از زندگی محروم می‌شدند و همچنین تشویق و فراخواندن دیگر عاملان برای مشارکت در اعدام زندانیان، با یاری رساندن به او و دیگر مقامات بلندمرتبه.

دوم- مشارکت مستقیم در عذاب روحی زندانیان با ایجاد اضطراب شدید مرگ که مصداق شکنجه و رفتار غیرانسانی است از طریق آوردن زندانیان به نزد هیئت و یا آوردن آنها به راهروی مرگ و منتظر نگه داشتن آنها برای مواجهه با یا شنیدن تصمیم هیئت، و در مورد اعدام‌شدگان بردن آنها به محل اعدام و فراهم آوردن تمهیدات لازم برای اعدام و همچنین تشویق و فراخواندن دیگر عاملان برای ارتکاب شکنجه و رفتار

یعنی جنایت جنگی و قتل عمد را به عنوان اتهامات او عنوان کردند و حکم به بازداشت وی دادند. بر همین اساس توانستند از روز نخست تا روز برگزاری بازجویی از شاهد‌ها و شاکیان، بازداشت وی را تمدید کنند.

کریستینا لیندهوف کارلسون و دو دادستان زن همراه از بخش دادستان کشوری سوئد، بر پایه‌ی جرایم بین‌المللی و جنایت سازمان یافته، کیفرخواستی علیه حمید نوری صادر و در ۵ مرداد ۱۴۰۰ (۲۷ ژوئیه ۲۰۲۱) به دادگاه منطقه استکهلم سوئد ارائه دادند. دادستان حمید نوری را برای شکنجه، رفتار غیرانسانی، اعدام زندانیان مجاهد و به ارتکاب جنایت جنگی در نقض ماده ۱۴۷ کنوانسیون چهارم ژنو و نقض شدید ماده مشترک سه آن در مورد زندانیان نیروهای چپ و سوسیالیست و مشارکت در قتل عمد، متهم کرد. دادستان میزان مسئولیت نوری را همراهی و مشارکت با متهمان دیگر در جریان یک محاکمه ی غیرعادلانه و اجرای احکام اعدام صادر شده از سوی هیئت مرگ تعیین کرده است. کیفرخواست دادستانی سوئد شامل اسامی ۱۱۰ نفر از زندانیان مجاهد و ۲۶ نفر از زندانیان وابسته به احزاب چپ است که در تابستان ۶۷ در زندان گوهردشت به دار آویخته شدند. نام‌های زندانیانی که در این کشتار جان سالم بدر برده‌اند بعنوان شاکی و به ترتیب ۶ تن از اعضای خانواده‌های به قتل رسیدگان مجاهد و ۷ تن از اعضای خانواده های قتل عام‌شدگان چپ، بعنوان شاکی در کیفرخواست آمده است.

در کل احکام صادره از سوی کمیته مرگ براساس یک دادگاه عادلانه و بنابر قوانین و موازین بین‌المللی نبوده است، از زاویه حمید نوری در نقش معاون دادستان و یا نقشی مشابه در زندان گوهردشت، دستیار جرم تلقی می‌شود؛ چرا که کشتار عمدی و شکنجه و رفتار غیرانسانی را با مشاوره و اعمال خویش ترویج کرده است.

### کیفرخواست مربوط به زندانیان مجاهد با این توضیح آغاز شد:

«بین سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۷ یک درگیری مسلحانه بین‌المللی بین ایران و عراق در

کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ در زندان گوهر دشت کرج، ادامه کشتار دهه ی ۶۰، از همان فردای ۲۲ بهمن ماه ۵۷ توسط حکومت اسلامی آغاز شد. هرچند عمق و ابعاد جنایت‌ها با عدد نمی‌شمارند، هر چند شمار قتل‌های ده ساله ی ۵۷ تا ۶۷ شاید هیچگاه مشخص نشود، اما بدون اغراق بیش از صد هزار تن از مبارزین کارگری و مخالفین حکومتی در سراسر ایران قتل عام شدند. زنان، مردان و نوجوانان بر چوبه های دار و در برابر جوخه های مرگ قرار گرفتند و در گورهای دستجمعی و بی نام و نشان در خاوران‌های سراسر ایران به خاک سپرده شدند. حکومت اسلامی در این سالها تلاش کرد تا خاوران‌ها را از اذهان عمومی بزدايد تا ديگر نشانی از ابعاد این جنایات باقی نماند.

روز شنبه ۱۸ آبان ماه ۱۳۹۸ برابر با ۹ نوامبر ۲۰۱۹ هواپیمایی ایران ایر حکومت اسلامی از ایران به مقصد استکهلم پایتخت کشور سوئد، مسافر ویژه ای داشت که مامورین قضایی این کشور به دستور دو دادستان زن چشم براه وی بودند. حمید نوری (در زندان هاموسوم به حمید عباسی) در لحظه گشود شدن درهای هواپیما در فرودگاه آرلاندا در استکهلم دستبند زده شد و بر اساس اصل «صلاحیت قضایی بین‌المللی» دستگیر و بازداشت شد. این نخستین بار بود که یکی از مهرهای کشتار ۱۳۶۷ در زندان گوهر دشت در خارج از مرزهای ایران بازداشت و در پیشگاه داور سوئد دادگاهی و به طور رسمی به ثبت رسید. بر همین اساس دادگاه حمید نوری در سه شنبه ۱۹ مرداد ۱۴۰۰ برابر با ۱۰ آگوست ۲۰۲۱ در استکهلم پایتخت سوئد کار خود را آغاز کرد.

### کیفرخواست دادستانی علیه حمید نوری

دستگیری حمید نوری با برنامه ریزی از پیش طراحی شده ایرج مصداقی، و با همکاری مختار شلالوند و حمید اشتری که از شاکیان پرونده بودند صورت گرفت. از آنجا که در قانون ۱۹۶۵ سوئد «جنایات جنگی» و «قتل عمد»، «جرم علیه قوانین بین‌المللی» گفته می‌شود، دادستان‌ها در پرونده حمید نوری این دو مورد،

غیرانسانی با زندانیان از طریق یاری کردن او و دیگر مقامات بلندمرتبه»

در واقع دادستان از دادگاه درخواست کرده که اعمال نامبرده شده در بالا را در نخستین درجه، به سان بخشی یا در پیوند با "درگیری مسلحانه بین‌المللی" بین ایران و عراق در نظر بگیرد و حمید نوری را محکوم کند؛

بر اساس ماده ۱۴۷ کنوانسیون چهارم ژنو (۱۹۴۹) در بیوستگی با مواد ۷۵ و ۸۵ پروتکل الحاقی اول کنوانسیون‌های ژنو مربوط به حمایت از غیرنظامیان در درگیری‌های بین‌المللی (۱۹۷۷) و اصول عام شناخته شده حقوق بشردوستانه بین‌المللی.

در درجه دوم نیز دادستان از دادگاه خواسته که اعمال حمید نوری را بعنوان بخشی از یا در پیوند با "درگیری مسلحانه غیربین‌المللی" بین ایران و مجاهدین در نظر بگیرد و حمید نوری را بر اساس نقض فاحش ماده ۳ مشترک در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مربوط به درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی و اصول عام شناخته شده حقوق بشردوستانه بین‌المللی محکوم کند.

در پایان این بخش، دادستان شق سوم "قتل عمد" را نیز به فهرست اتهام‌های حمید نوری در رابطه با زندانیان مجاهد افزوده است تا چنانچه دادگاه نتواند "پیوند" ادعا شده بین افعال مجرمانه و یک درگیری مسلحانه بین‌المللی یا غیربین‌المللی را احراز کند، در صورت کافی دانستن شواهد برای احراز غیرقانونی بودن اعدام‌های گسترده، حمید نوری را به قتل عمد محکوم کند.

### جرایم مورد پیگرد مربوط به زندانیان چپ (قتل عام شدگان)

کیفرخواست در بخش مربوط به زندانیان چپ، با این توضیح آغاز می‌شود:

« رهبری مذهبی سیاسی ایران در مقطعی قبل از ۵ شهریور ۱۳۶۷ تصمیم گرفت سایر زندانیان سیاسی در زندان‌های ایران را که سمپات گروه‌های مختلف چپ بودند و مسلمانانی معتقد نبودند، برای ارتداد از اسلام اعدام کند. حمید نوری در فاصله زمانی ۵ تا ۱۵ شهریور ۱۳۶۷ در زندان گوهردشت (رجایی شهر) کرج، ایران، بعنوان دستیار دادیار یا در موضع و موقعیت مشابه دیگری، به اتفاق، در هماهنگی و با مشاوره با دیگر عاملان، عامدانه تعداد زیادی از زندانیان را که اعتقادات ایدئولوژیک/مذهبی آنها با دولت تئوکراتیک ایران در تضاد بود از



زندگی محروم کرد.»

از آنجا که دادستان موج دوم اعدام‌ها، که زندانیان سیاسی چپ را هدف قرار داد در "پیوند" با هیچ یک از درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی ندانسته، تنها عناوین کیفری قابل اعمال تحت اصل صلاحیت قضائی در قوانین سوئد برای افعال مجرمانه‌ای که حمید نوری علیه زندانیان چپ مرتکب شده (۱-قتل قضائی ۲-شکنجه و رفتار غیرانسانی) جرائم عادی "قتل عمد" و "تعرض شدید و جدی به اشخاص" است. در سوئد "قتل عمد" تا سال ۲۰۱۰ مشمول مرور زمان می‌شد، اما با تصویب یک ماده قانونی (۲۰۱۰:۶۰) این محدودیت برداشته شد و قتل‌هایی که از سال ۱۳۶۵ (۱۹۸۶) به بعد اتفاق افتاده‌اند هر زمان می‌تواند تحت پیگرد قرار گیرند.

بدین ترتیب، در رابطه با زندانیان چپ دادستان درخواست محکومیت حمید نوری را تنها برای مشارکت مستقیم در "قتل عمد" زندانیانی صادر کرده است که اعدام شدند. در نسخه پیش از اول ژوئیه ۲۰۰۹ قانون کیفری سوئد که حاکم بر این بخش پرونده است، برای "قتل عمد" مجازات ۱۰ سال زندان یا حبس ابد تعیین شده است (بخش ۳ ماده ۱).

### دلیل دادستانی در مورد نسل کشی زندانیان چپ

در سوئد نسل‌کشی بنا دو ماده‌ی قانون قابل پیگرد است، یکی "ماده قانونی ۴۰۶ در مورد مجازات نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی" (۲۰۱۴) که جرائم پس از این تاریخ را شامل می‌شود و دیگری "ماده قانونی ۱۶۹ برای مجازات نسل‌کشی" (۱۹۶۴) که جرائم پیش از ۲۰۱۴ را در برمی‌گیرد. برای اثبات نسل‌کشی بر مبنای دو ماده بالا چه بر مبنای اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (۱۹۹۸)، بایستی ثابت کرد که انگیزه مرتکب کننده، با ملیت، قومیت، نژاد، یا مذهب گروه مورد تعرض ربط دارد. طبق این قوانین، انگیزه سیاسی، جرم نسل‌کشی به شمار

نمی‌آید. تاکنون نیز در تمام جنایاتی که نسل‌کشی شناخته شده‌اند، انگیزه‌ی احراز شده نه سیاسی بلکه یکی از چهار انگیزه‌ی فوق بوده است.

در پاسخ به این سوال که چرا از جرم نسل‌کشی (ماده قانونی ۱۹۶۴:۶۱۹) برای زندانیان سیاسی چپ که با اتهام ارتداد از اسلام محاکمه و/یا اعدام شدند استفاده نشده، دادستان لیندوف کارلسون می‌گوید:

«نسل‌کشی جنایت بسیار پیچیده‌ای است. در درازای تاریخ، موارد زیادی بوده که نشان‌هایی از انگیزه‌ی نسل‌کشی وجود داشته ولی از میان آنها شمار کمی به آستانه‌ی شمول نسل‌کشی واقعی رسیده‌اند. شرایط این پرونده طوری است که شواهد زیادی درباره علت قتل زندانیان چپ گرا در دست نداریم. در مورد زندانیان مجاهد فتوا داریم، اما در مورد این زندانیان تصمیمی نداریم که به ما بگوید چرا رهبری ایران در این مدت کوتاه تصمیم گرفت زندانیانی را که دین خود را ترک کرده‌اند بکشد. ما شواهدی داریم که مشخص می‌کند چه سوالاتی پرسیده می‌شدند و اینکه این سوالات می‌توانستند قصد نسل‌کشی داشته باشند، در عین حال این هم می‌توانسته باشد که این اقدام با هدف سیاسی و برای نابود کردن یک بار برای همیشه مخالفان سیاسی صورت گرفته باشد.»

در ضمن ۳۵ شاکی پرونده حمید نوری علاوه بر حق دسترسی به مدارک پرونده، حق اظهارنظر درباره اجزای پرونده، حق پرسش از متهم، شهود و گواهان متخصص و حق ارائه شواهد و اسناد در طول محاکمه را نیز داشتند.

### درخواست اشد مجازات

کریستینا لیندوف کارلسون، دادستان این دادگاه سوئد پس از ۸۸ جلسه رسیدگی به پرونده نوری، پنج‌شنبه ۲۸ آوریل (۲۰۲۲) خواستار اشد مجازات یعنی زندان ابد برای حمید به جرم «جنایت علیه بشریت از نوع شدید» گردید. به بیان دادستان‌ها، اظهارات شاکیان و شاهدان در این دادگاه، «تصویر واضحی از ساختار و فجایعی که در مدتی کوتاه در زندان گوهردشت انجام شد را ترسیم می‌کند.» از سوی، وکیل مدافع حمید نوری فتوای ارائه شده با نام خمینی را نادرست عنوان کرد و منکر صدور چنین فتوایی شد، در حالیکه نماینده دادستانی استکهلم از اختلاف خمینی و منتظری، جانشین وقت خمینی، درباره



فتوای اعدام زندانیان سخن گفت و اشاره کرد که منتظری اعضای هیات مرگ در سال ۱۹۸۸ را قاتل و مجرم خطاب کرد. نماینده دادستانی تاکید کرد که پنج روز پس از صدور فتوای خمینی، زندانیان را به زندان گوهردشت منتقل کردند، تلویزیون‌ها را از سالن‌های زندان جمع‌آوری کرده و زندانیان را به سالن‌های دیگری انتقال دادند. در هنگام بازخوانی کیفرخواست، دادستان استکهلم اعضای صادر کننده احکام اعدام موسوم به «هیات مرگ» را حسن‌علی نیری، حاکم شرع تهران، ابراهیم رئیسی، معاون دادستان تهران، مصطفی پورمحمدی، معاون وقت وزیر اطلاعات و مرتضی اشراقی، دادستان تهران نامید.

نماینده دادستانی پس از آن اعضای «کمیته اجرا کننده» احکام قتل‌ها را نیز نام برد: سیدحسین مرتضوی زنجانی، مسئول زندان گوهردشت، محمد مقیسه (ناصریان)، دادیار زندان گوهردشت، حمید نوری، معاون دادیار زندان گوهردشت و تقی عادل (داود لشکری) مسئول امنیت زندان گوهردشت.

بنا به کیفرخواست دادستان استکهلم، حمید نوری (عباسی)، به عنوان معاون دادیار زندان گوهردشت نقش مهمی در اجرای اعدام‌های دسته‌جمعی ایفا کرد. بنا به گفته دادستان دادگاه استکهلم، مقیسه (ناصریان)، لشکری و نوری (عباسی) زندانیان را به هیئت مرگ معرفی می‌کردند و سپس احکام را به اجرا می‌گذاشتند.

نماینده دادستانی اظهار داشت که بنا به مدارک و دلایل قوی و روشن، نوری در کشتار دستکم ۴۰۰۰ زندانی سیاسی نقش داشته است. نماینده دادستانی همچنین اعلام کرد که نوری نام زندانیان سیاسی را می‌پرسید و سپس آنها را به سالن مرگ می‌برد. او افزود: «حمید نوری متهم به کشتار زندانیان سیاسی و دفن آنها در قبرهای دسته‌جمعی با انگیزه سیاسی و مذهبی بوده است.»

سازمان مجاهدین ابتدا دستگیری نوری را پروپاگاندا و تبلیغات انحرافی حکومتی خواند

و سرانجام یکسال بعد به شاکیان پیوست. این سازمان و وکلایش تا آخرین روزهای برگزاری دادگاه در برابر ادله‌های دادستان مبنی بر نقش حمید نوری در جنایات جنگی انکار کردند و بر کشتار دستجمعی و جنایات علیه بشریت به وسیله وی پای فشرده. وکلای حمید نوری این موضع را به سود حمید نوری و حکومت اسلامی ایران یافتند. زیرا با این ترفند، بازداشت حمید نوری را غیرقانونی و دادگاه را از صلاحیت اعلام می‌کردند. روزهای پایانی دادگاه همپوشانی مواضع وکلای نوری و نوری از یک سوی و به موازات آن، وکلای مجاهدین در سوی دیگر بر کیفرخواست دادستانی مبنی بر جنایت جنگی و نقض حمید نوری سایه افکند.

لازم به اشاره است که شماری از شاکیان و شاهدان جنایت کشتار سال ۶۷ به دلیل دخالت نامستولانه و مخرب برخی در حواله دادن پرونده به وکیلی ایرانی که صلاحیت وی از سوی دادگاه سوئد به رسمیت شناخته نشد و سرانجام مشاور حمیدنوری و وکلای وی از آب درآمد، از پی گیری و شکایت از حکومت اسلامی و مهری دستگیر شده‌اش بازماندند. از جمله شاکیانی که با این اقدام از شکایت بازماندند، رفیق منصوره بهکیش از بنیانگزاران کارزار مادران خاوران بود که هفت تن از برادران و خواهر و خویشان نزدیک خود، در رابطه با سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اقلیت) جان باخته بودند. متأسفانه منصوره بهکیش به دلیل دخالت بی مسئولانه‌ی برخی از کیفرخواست رفقای زیر بازماند:

زهرا ( اشرف ۳۷ ساله) در سوم شهریور ۱۳۶۲ با خوردن سیانور و یا زیر شکنجه کشته شد، محمود (۳۷ ساله) در ۶ شهریور ۱۳۶۷ در زندان گوهردشت به دار آویخته شد، محمدرضا (۲۶ ساله) در خیابان به دست پاسداران به قتل رسید، محسن (۲۱ ساله) در بیست و چهارم اردیبهشت ۱۳۶۴ در زندان اوین به قتل شد، محمد علی (۲۴ ساله) در ۶ شهریور ۱۳۶۷ در زندان گوهردشت به دار آویخته شد، مهرداد پناهی شبستری- (۳۳ ساله) از خویشان

نزدیک در ۷ شهریور ۱۳۶۷ در زندان اوین به قتل رسید و سیامک اسدیان- هم‌رمز و همراه اشرف بهکیش (۲۶ ساله) در ۱۳ مهر ۱۳۶۰ در یک درگیری مسلحانه در شمال جان باخت.

کاظم غریب آبادی دبیر ستاد حقوق بشر و معاون امور بین الملل قوه قضائیه ایران گفته است که سوئد با بازداشت و محاکمه حمید نوری از متهمان اعدام هزاران زندانی سیاسی در تابستان ۱۳۶۷، "درصد محاکمه جمهوری اسلامی است. سوئد، پرونده آقای نوری را بهانه ای برای محاکمه نظام جمهوری اسلامی ایران کرده. مگر یک کارمند سازمان زندان های ایران چقدر ظرفیت قضایی دارد که صد جلسه دادگاه برای محاکمه او تشکیل دادند؟"

در جلسه روز چهارشنبه چهار مه (۱۴ اردیبهشت) که در استکهلم برگزار شد و نود و دومین جلسه این متهم به «جنایت علیه بشریت» و «قتل عمد» بود، آخرین دفاعیات موکلان او انجام شد و سپس خود حمید نوری سخن گفت و بارها از رئیس دادگاه در سخنانی با بیان عجیب تشکر کرد. این جلسه در حالی برگزار شد که دادستانی سوئد هفته گذشته برای این متهم تقاضای اشد مجازات یعنی زندان ابد کرد. درست کمتر از ۲۴ ساعت پس این اعلام رسانه‌های حکومت اسلامی اعلام کردند که اجرای حکم اعدام احمدرضا جلالی، پژوهشگر ایرانی-سوئدی (به گروگان گرفته شده از سال ۹۵ در زندان) را تا آخر اردیبهشت در دستور قرار گرفته است. سران حکومت اسلامی به شدت به حربه گروگان گیری و تروریسم، علیه این حکم به تهدید پرداخته است.

جهان امروز



خانواده بهکیش به همراه مادر

کومه له، سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

www.komalah.org



حزب کمونیست ایران

www.cpiran.org



از سایت های

حزب کمونیست ایران و

کومه له دیدن کنید!



پرسش  
در این صفحه کوشش می شود  
به سئوالاتی که از طرف خوانندگان نشریه از ما می شود  
پاسخ داده شود.

راستا کوشش خواهیم کرد.

سئوال: آیا نشریه جهان امروز تنها مطالب رفقای حزبی را منتشر میکند و اگر انسانی چپ و رادیکال بخواهد در رابطه‌ای مطلبی بنویسد و در همه موارد هم با شما هم‌منظر نباشد، جایی در این نشریه دارد؟

جهان امروز: نشریه جهان امروز اگر چه نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران است، اما خود را محدود به چارچوب تشکیلاتی نکرده است. از نظر تحریریه نشریه، کسانی که به زعم ما در چارچوب استراتژی سوسیالیستی و قطب چپ جامعه قرار می گیرند و با حزب کمونیست همسویی دارند می توانند برای این نشریه بنویسند.

ما در نظر داریم در این نشریه "ستون آزاد"ی برای این رفقا ایجاد کنیم و این ستون از نظر ساختاری برای ما این امکان را فراهم خواهد کرد که مطالبی که حتی در مواردی هم با سیاست های ما زاویه پیدا می کند بتواند جا بگیرند.

در شرایطی که ما در اوضاع سیاسی خطیر ایران همکاری و همگرایی نیروهای چپ و کمونیست را یک ضرورت سیاسی عاجل می دانیم، در شرایطی که حزب ما همکاری تنگاتنگی را با بخشی از نیروهای چپ و کمونیست را پیش می برد، در شرایطی که ما در ارگان های تبلیغاتی دیگرمان از قبیل تلویزیون از همکاری رفقای سرشناس چپ و کمونیست بهره مندیم، دلیلی وجود ندارد که نشریه مان را هم با این جهت گیری درست همراه نکنیم.

\*\*\*

سئوال: از آنجا که می دانیم ادبیات پیشرو، شعر و سرود نقش مهمی در رشد آگاهی جامعه دارد، چرا نشریه جهان امروز صفحه ویژه ای برای ادبیات کارگری و پیشرو ندارد؟

جهان امروز: ما با شما کاملاً موافقیم که ادبیات انقلابی و پیشرو در فرهنگ سازی توده های کار و زحمت تاثیر بسزایی دارد و خط و جهت گیری های سیاسی را سهل تر به اعماق جامعه می برد. ما هر چند تاکنون کوشیده ایم در مواردی با درج آثاری که زبان حال جنبش های کارگری و توده ای است این کمبود را جبران کنیم، اما محدودیت های نشریه این امکان را هنوز به ما نداده این امر را در صفحه ای ثابت پیش ببریم.

اجابت این مهم طبعاً لازمه اش همکاری کسانی است که در رابطه با مسائل فرهنگی و شعر و ادبیات پیشرو توانایی دارند و ما سعی می کنیم با جلب همکاری آنها تدریجاً این صفحه ویژه را در نشریه داشته باشیم.

از نظر ما هنر و ادبیاتی که انعکاس زندگی و مبارزه و تلاش کارگران، زنان و توده های محروم و زحمتکش جامعه باشد، بدون تردید می تواند موثرتر به زبان مشترک و گویا و فریاد مردمی تبدیل شود که صدایشان با زور سرنیزه سرکوب شده است و این را تجارب تاریخی به اثبات رسانده است.

این عرصه می تواند با اشعاری که درد و رنج و امید محرومان را بیان می کند، با نقد و بررسی فیلم، با روایاتی واقعی از آنچه در اعماق بر اکثریت جامعه روا داشته می شود پیش برود و بدون تردید تاثیراتش به یاری زبان و قلم هنرمندان و شاعران غیر قابل انکار است. ما بطور قطع در این

تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه‌له برنامه‌های خود را به همراه تلویزیون‌های "دمکراسی شورایی"، "پرتو" و "برابری" بر روی کانال ماهواره‌ای "تلویزیون آلترناتیو شورایی" کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاهسات پخش می کند.



ساعت پخش برنامه‌های  
تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه‌له به وقت تهران:

- آغاز برنامه‌ها، ۱۷،۳۰، پنج و نیم عصر
- تکرار بار اول، ۲۳،۳۰، یازده و نیم شب
- تکرار بار دوم، ۰۵،۳۰، پنج و نیم صبح
- تکرار بار سوم، ۱۱،۳۰، یازده و نیم قبل از ظهر

برای مشاهده مستقیم بیست و چهار ساعته کانال ماهواره ای تلویزیون‌های آلترناتیو شورایی (کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست) به سایت حزب کمونیست ایران مراجعه کنید و یا روی لینک زیر کلیک نمایید. <https://alternative-shorai.tv/>

## به یاد ۳۴مین سالگرد حمله شیمیایی رژیم عراق به مقرات مرکزی کومه له

عصر روز ۲۵ اردیبهشت سال ۱۳۶۷، مقرات مرکزی کومه له واقع در درهٔ "بوتی" در ۲۰ کیلومتری شمال شهر "رانیه" در کردستان عراق بوسیله هواپیماهای جنگی رژیم جنایتکار بعث عراق هدف بمباران شیمیایی قرار گرفت. در این تهاجم جنایتکارانه ۲۳ تن از اعضاء و کادرهای حزب کمونیست ایران و کومه له جانباختند و نزدیک به ۱۵۰ نفر نیز مصدوم و مسموم شدند. این رفقا از زمرهٔ لایق ترین و رزمنده ترین پیشروان جنبش کارگری و کمونیستی ایران و از چهره های سرشناس، قدیمی و محبوب در میان توده های مردم بودند. آنها برعلیه ستم و

ارتش خود منتقل کند و مراودات بین نیروهای پیشمرگ کردستان ایران و عراق را قطع نماید. ارزیابی رهبری کومه له در آن موقع این بود که تا زمانی که منطقه ای آزاد در کردستان عراق باقی باشد، نایستی مقرهای مرکزی خود را به مناطق تحت کنترل دولت عراق منتقل کند. این یک موضع گیری سیاسی بود که در خدمت امر مقاومت در برابر رژیم های جمهوری اسلامی و بعث عراق قرار داشت. این سیاست هم چنین ادامهٔ سیاست کومه له و حزب کمونیست ایران در قبال جنگ ایران و عراق نیز بود. سیاستی که جنگ را از هردوسو ارتجاعی میدانست و

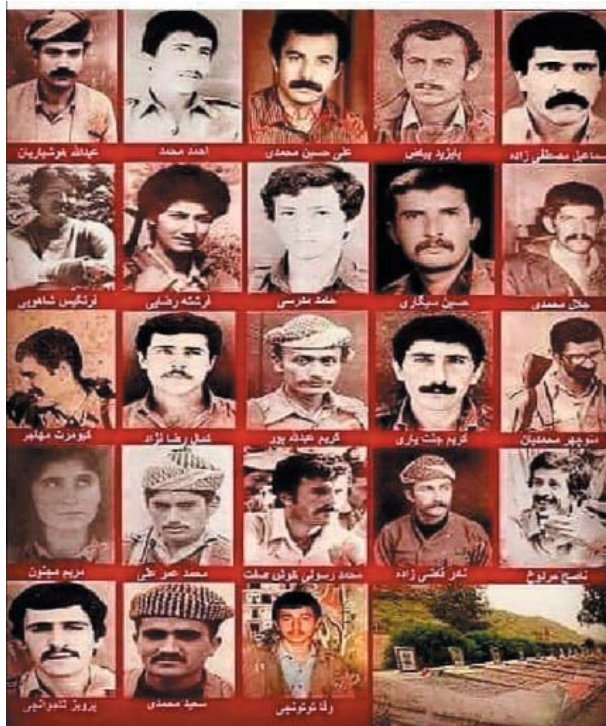
استثمار و بی حقوقی توده های کارگر و زحمتکش، بر علیه جنگ و جنایات ناشی از آن، در دفاع از حقوق اولیه مردم کردستان، پیاخته و تمامی زندگانی خود را وقف مبارزه ی بی امان با نظام سرمایه داری و همه مصائب و ستم های آن کردند.

این عزیزان جانباخته از زمرهٔ انسانهای وارسته ای بودند که با شور انقلابی و قلبی سرشار از امید، از نقاط مختلف کردستان و دیگر شهرهایی ایران با پیوستن به صفوف کومه له همراه و همدوش هم با تحمل مخاطرات فراوان، در ارگانهای مرکزی کومه له و نیز رادیو صدای حزب کمونیست ایران

فعالیت می کردند.

این نخستین بار نبود که مقرهای نیروی پیشمرگ کومه له در کردستان عراق هدف حملهٔ هوایی و یا توپخانه ی ارتش عراق قرار می گرفت. قبلا از این نیز بارها قرارگاههای مرکزی کومه له در منطقهٔ "مالومه" و در همین درهٔ "بوتی" نیز، مورد حمله قرار گرفته بودند. نقاط مزبور جزو مناطقی بودند که خارج از کنترل دولت عراق قرار داشتند و نیروهای پیشمرگ اتحادیهٔ میهنی کردستان و دیگر از احزاب و نیروهای سیاسی مخالف رژیم عراق در آن حضور داشتند. رژیم عراق با تحت فشار قرار دادن کومه له در این مناطق می خواست ما را وادار سازد که مکانهای استقرار نیروی مسلح خود را از مناطق آزاد به مناطق تحت کنترل

۱. اسماعیل مصطفی زاده
۲. احمد محمدی
۳. بازید بیاض
۴. پرویز تاجوانچی
۵. حسین سیگاری
۶. سعید محمدی
۷. جلال پنجوینی
۸. فرشته رضائی
۹. عبدالله هوشیاران
۱۰. علی حسن محمدی (طهمورث)
۱۱. فرنگیس شاهوئی
۱۲. کریم جنتی
۱۳. کریم عبدالله پور
۱۴. مریم مجنون (سعادت)
۱۵. کمال رضانزاد
۱۶. کیومرث مهاجر (جبار)
۱۷. منوچهر محمودیان (مرتضی)
۱۸. محمدرسولی خوش صفت
۱۹. محمد عمرعلی
۲۰. ناصح مردوخ
۲۱. نادر قاضی زاده (آزاد)
۲۲. وفاتونونچی
۲۳. حامد مدرسی



نام این عزیزان برای همیشه بر لوح تاریخ سراسر فداکاری و رزمندگی جنبش کمونیستی ایران خواهد درخشید. امروز آرامگاه این دسته از زنان و مردان تسلیم ناپذیر کومه له و حزب کمونیست ایران در همان محل جانباختنشان به مکانی برای تجدید خاطرهٔ خانواده هایشان و تجدید عهد همزمانشان با آرمانهای شریف و انسانی آنها تبدیل شده است.

خواهان قطع فوری آن بود. استقرار مقرات کومه له در این مناطق عملا ما را با مردم کردستان عراق و نیروهایی که بر علیه رژیم بعث می جنگیدند، هم سرنوشت ساخته بود. صدماتی که بر نیروهای ما در این دوره وارد آمد در واقع بخشی از رنجهای و مصائبی بودند که مردم کردستان عراق بطور روزمره با آن دست و پنجه نرم می کردند.

به محض رسیدن خبر بمباران شیمیایی مقرات کومه له به شهر رانیه، هزاران نفر از مردم این شهر علیرغم نگرانی از عکس العمل رژیم بعث عراق، برای کمک به پیشمرگان مجروح و مصدوم کومه له بسیج شدند و از هر امکانی که در دسترس داشتند برای کمک به رفقای



## مسابقه تسلیحاتی و افزایش دهها میلیونی گرسنگان جهان

جنگ اوکراین اختصاص داده شده است، را مد نظر قرار داد، تا سیمای بربریت حاکم بر جهان را مشاهده کنید. این البته تصویر تمام جهان نیست. کافی است به برخی از گزارشات دیگرهم نگاه کنیم. روند افزایش قیمت گندم پس از تهاجم نظامی روسیه به اوکراین، همه جا افزایش قیمت نان را در پی داشته است. مردم سراسر خاورمیانه و شمال آفریقا که قبل از تهاجم روسیه به اوکراین نیز از تورم و گرانی سرسام آور در رنج بودند، اکنون با موج جدیدی از فقر و گرانی روبرو شده اند. از اینرو نگرانی‌ها در سراسر خاورمیانه و شمال آفریقا در حال افزایش است.

در حالی که به طور متوسط یک چهارم رژیم غذایی اروپایی‌ها شامل نان است، در خاورمیانه و شمال آفریقا نان و غلات نیمی از رژیم غذایی مردم را تشکیل می‌دهد و با آغاز روند گرانی گندم تامین آن دشوارتر شده است. قیمت جهانی گندم در یک سال گذشته بیش از ۵۰ درصد افزایش یافته است. یکسال پیش و در جریان داد و ستدهای چهارم ماه مه ۲۰۲۱ هر کیلوگرم گندم در بازار جهانی به قیمت ۲۵ سنت یورو برابر با ۷ هزار و ۵۰۰ تومان معامله می‌شد، این نرخ در روز ۵ مه امسال ۳۹ سنت یورو برابر ۱۱ هزار و ۷۰۰ تومان افزایش یافته است. افزایش سرسام آور قیمت نان و دیگر کالاهای مورد نیاز روزانه می‌تواند زمینه ساز شورش‌های شهری و اعتراض‌ها و تظاهرات خیابانی علیه رژیم‌های حاکم باشد.

در ایران وضع چندان بهتر نیست. به گزارش ایلنا در روزهای اخیر قیمت گندم با افزایش حدوداً سیزده برابر روبرو بوده است. یازدهم اردیبهشت ماه، ادارات کل غله و خدمات بازرگانی در استان‌ها طی نامه‌ای به انجمن کارخانه‌های تولید آرد، نرخ جدید گندم را ۱۲ هزار تومان اعلام کردند. همین یک تصمیم کافی بود تا قیمت آرد از کیلویی ۲۷۰۰ تومان برای صنایع و اصناف به کیلویی ۱۶ هزار و ۹۰۰ تومان برسد. یعنی رشد حدود شش برابری قیمت گندم و آرد مورد نیاز صنایع در کمتر از یک ماه.

و اینها همه تصویر جهانی است که میگفتند پایان تاریخ و ابدیت سرمایه داری است. آنچه رهاورد این به اصطلاح ابدیت است، گرسنگی میلیونی در یک سو و انباشت سرمایه در سوی دیگر. این نظم وارونه را میتوان دگرگون کرد، اگر کارگران و فرودستان جهان اراده خود را سازمانیافته و متشکل کنند.



شکم خود و خانواده شان را نداشتند اکنون چگونه میتوانند هزینه خرید واکسن را تأمین کنند. در بعضی از مناطق دنیا تغییرات اقلیمی از جمله بارانهای ممتد، بادها و طوفانهایی مهیب، سونامی، خشکسالی عوامل گسترش روزافزون پدیده گرسنگان بوده اند.

مسئول "برنامه غذایی جهان" همین چند هفته پیش اعلام کرده بود که "شاید ترکیب هولناکی از همه این عوامل را میتوان در سومالی مشاهده کرد، جائیکه جنگ، خشکسالی، افزایش بی مهابای قیمت کالاهای اساسی، عدم پرداخت وام باعث گردیدند که این کشور در آستانه یک فاجعه انسانی قرار گیرد". به روایت او شش میلیون نفر یعنی چهل در صد از جمعیت سومالی به سختی قادرند مواد غذایی برای خود تهیه کنند. تا آخر امسال دستکم یک میلیون و چهار صد کودک از کمبود غذا رنج خواهند برد. این نشانه تشدید بحران گرسنگی در این کشور خواهد بود. او وضعیت گرسنگان را در در چهار کاتاکوری مختلف رده بندی کرده و میگوید نزدیک به پانصد هفتاد هزار نفر در کاتاکوری فاجعه که مستقیماً در خطر مرگ قرار دارند، قرار می‌گیرند. اینان بیشتر در اتیوپی، یمن، سودان جنوبی بسر میبرند. در کاتاکوری "اضطراری" نزدیک به سی و نه میلیون و دویست هزار نفر موجودند که به سختی از گرسنگی رنج برده و میزان مرگ و میر در میان آنان بسیار بالاست. اکثریت اینان در کشورهای جمهوری کنگو، افغانستان، اتیوپی، یمن و سودان جنوبی ساکن هستند. نزدیک به یکصد وسی میلیون در کاتاکوری "بحرانی" قرار دارند. اینان نیز به اندازه کافی دسترسی به غذا نداشته و از عدم تغذیه کافی رنج میبرند. اینان نیز اغلب در همان کشورهایی زندگی میکنند که قبلاً نام برده شده اند.

آنچه که روشن است در سال جاری شرایط و خامتبارتر خواهند گشت. بسیاری از کشورهای آفریقائی که بیشترین گرسنگان جهان را دارند اکنون با آغاز جنگ در اوکراین از دسترسی به گندم، ذرت و سایر مواد غذایی که از این کشور صادر میشد، محروم گشته اند. سازمان ملل بارها و بارها از کشورهای عضو خود درخواست کمک مالی نموده است. طبق گزارش این سازمان تنها سه در صد از کمک شش میلیاردی که برای کمک به کشورهای اتیوپی، سومالی و سودان جنوبی در نظر گرفته شده بود، پرداخت شده است. کافی است برای یک لحظه فاصله عظیمی را که بین این رقم و رقم صدها میلیاردی که در همین چند ماه اول امسال به

همه روزه اخبار مربوط به اختصاص بودجه‌های میلیاردی با ادامه جنگ در اوکراین در صدر قرار می‌گیرد. بایدن طرح مبلغ سیصد وسی میلیارد دلار برای کمک نظامی و بازسازی بعد از جنگ به اوکراین را به مجلس میبرد، آلمان یکصد میلیارد بودجه ویژه نظامی به تصویب میرساند و تانک‌ها و تسلیحات پیشرفته در اختیار ارتش اوکراین قرار می‌دهد. بریتانیا، فرانسه، ایتالیا و دیگر دولت‌های اروپایی هم از این قافله عقب نمانده اند. از رسانه‌های بستر اصلی گرفته تا آنانیکه حتی نقش چندانی در مهندسی کردن افکار عمومی ندارند، تنها وظیفه‌ای که برای خود می‌شانند به تصویر کشیدن دلخواهی وقایع این جنگ است، تا مردم فرصت این را نیابند که به ماهیت واقعی جنگ و نتایج و تبعات آن پی ببرند. حتی نفهمند چه بلایی به سر آن بخش از ساکنین اوکراین که تبعه این کشور نیستند می‌آید.

درست در دل این جار و جنجال تبلیغاتی که پیرامون جنگ در اوکراین برافزوده است، خبر دیگری در برخی از رسانه‌ها انعکاس می‌یابد. روز چهارشنبه چهارم ماه مه برابر با چهاردهم اردیبهشت "شبکه علیه بحران غذایی" اعلام کرد که تعداد انسانهایی که با گرسنگی دست و پنجه نرم می‌کنند در سال گذشته با افزایش چهل میلیون نفر به صد و نود و سه میلیون نفر رسیده است. این میزان از رشد گرسنگان ادامه همان روندی است که در سال گذشته نیز با آن روبرو بودیم. سازمان مزبور اصلی‌ترین علت این امر را ادامه جنگها و اختلافات موجود در جهان دانست. بر طبق این گزارش شصت و پنج درصد گرسنگان در کشورهایی زندگی میکنند که در آنها جنگ‌های نیابتی، قومی و مذهبی در جریان است. سازمان مزبور یکی دیگر از علل این افزایش رقم گرسنگی را در وجود و ادامه پاندمی کرونا میبیند. همه دیدیم که چگونه در کشورهای متروپل سرمایه داری در حالیکه میلیونها واکسن را به علت انقضای تاریخ مصرفشان به دور میانداختند در کشورهای جنوب نرخ جمعیتی که واکسن دریافت کرده بودند به پنج درصد هم نمیرسید. از آنجا که برای کمیانیهای داروسازی نظیر "بیونتک-فایزر" میلیاردها سود هنگفت از کشورهای جنوب به دست نیامد، منطق سودجویانه شان اجازه نمیداد که تولیدات خود را به کشورهای جنوب بفرستند. مضافاً اینکه بودجه خانواده و حتی دولتها در کشورهای جنوب توانائی پرداخت این هزینه سرسام آور را نداشتند. اینها حتی بدون پاندمی توانائی سیر کردن

## پیام حبیب افکاری برای پیوستن به کارگران و معلمان: مبارزه در خیابان تا پس گرفتن زندگی

کوچک‌تان هستیم و تا همیشه خود را در کنار شما می‌دانیم و برای رسیدن به خواست‌های صنفی و سیاسی شما تا پای جان، دست در دست‌تان برای فردایی بهتر و ایرانی آزاد و آباد مبارزه می‌کنیم.

همچنین به برادران و خواهران کارگران ضمن تبریک روز جهانی کارگر، این نکته را باید بدانید که ما برادران افکاری دوشادوش شما ایستاده‌ایم.

من حبیب افکاری به عنوان عضوی کوچک از جامعه کارگری ایران نیز چون شما تمام سختی‌هایی که بر شما تحمیل شده است را زیسته‌ام.

برخوردهای قضایی و امنیتی، پرونده سازی، شکنجه، محکومیت، حبس و تهدید به همکاری که خود بارها شاهد آن بوده‌ام نه تنها اعتراضات کارگران و معلمان را به محاق نمی‌برد، بلکه باعث شد که صدای حقانیت آن رساتر به گوش تمام مردم برسد.

در چند سال اخیر پشت میله‌های زندان شاهد اعتصابات و اعتراضات شما بوده‌ام و طنین بلند شعارهای‌تان را از پس میله‌های زندان شنیده‌ام و اکنون به خوبی درک می‌کنم که راه همین است که شما رفتید و از این به بعد نیز با هم خواهیم پیمود: «مبارزه در خیابان تا پس گرفتن زندگی».

ما برادران افکاری کنار معلمان و کارگران خواهیم بود و از تمامی گروه‌ها، اقشار، اصناف و طبقات تحت ستم درخواست می‌کنیم به این جنبش‌ها بپیوندند تا دوشادوش هم از این بن‌بست‌هایی یابیم.

در پایان از اینکه همیشه در کنار خانواده افکاری بودید و ما را در روزهای جنگیدن بر سر آزادی و عدالت تنها نگذاشتید بی‌نهایت سپاسگزاریم و بدانید که تا آخرین قطره خون‌مان کنارتان می‌مانیم.

حبیب افکاری؛ ۹ اردیبهشت ۱۴۰۱

دروغ شده است. حبیب افکاری ۱۴ اسفند پارسال پس از ۱۸ ماه بازداشت که بیش از ۱۵ ماه آن در انفرادی سپری شده بود، آزاد شد.

اعلام حمایت آقای افکاری از جنبش‌های اعتراضی معلمان و کارگران با موج جدیدی از فشارها، احضارها و بازداشت فعالان صنفی این گروه‌ها یک روز پیش از تجمع آنها در روز ۱۱ اردیبهشت همزمان شده است.

حبیب افکاری که از آذر ۹۷ زندانی بود، ۱۴ اسفند ۱۴۰۰ آزاد شد.

برادر او، نوید افکاری، کشتی‌گیر ۲۷ ساله و از بازداشت‌شدگان اعتراض‌های مرداد ۹۷ بود که به رغم اعتراض‌های جهانی سرانجام در شهریور ۹۹ اعدام شد.

علاوه بر نوید افکاری، دو برادر او یعنی حبیب و وحید نیز از آذر ۹۷ زندانی بودند و از نیمه شهریور ۹۹ به انفرادی منتقل شدند.

سازمان عفو بین‌الملل در گزارشی ۴۸ صفحه‌ای شرح شکنجه علیه برادران افکاری را منتشر و اعلام کرده بود: «کف چپ حبیب افکاری

در رفت و

دست چپ و یکی

از انگشتان پای

راست او نیز دچار

شکستگی شد.»

متن کامل پیام حبیب

افکاری چنین است؛

دروغ به تمام معلمان

و کارگران وطن‌مان



و خانواده‌های عزیزشان

امیدواریم در این برهه حساس و تاریخی که شما با اعتراضات خود چراغی شدید و دوباره نور امید و حق طلبی را به خیابان‌ها کشانید، ما هم درس آزادی و مقاومت را مثل همیشه از شما بیاموزیم و کنارتان باشیم.

اکنون که در آستانه‌ی روز معلم و کارگر قرار داریم. ضمن تبریک این روز به محضر شما آموزگاران و کارگران ایران، نخست خطاب به معلمین عرض می‌کنیم که ما شاگردان

حبیب افکاری، برادر نوید افکاری کشتی‌گیری که شهریور ۹۹ اعدام شد، ضمن درخواست از همه گروه‌ها برای پیوستن به کارگران و معلمان، در نامه‌ای نوشت: «همه ما آماده رزمی خیابانی برای نجات ایران و نجات زندگی شویم.»

او در این نامه که در آستانه روز معلم و روز کارگر منتشر شده، تاکید کرده است برادران افکاری که از دل جنبش‌های اعتراضی سال‌های گذشته بیرون آمده‌اند «هم‌پیمان شدن دو جنبش معلمان و کارگران در روز ۱۱ اردیبهشت را خجسته می‌دانند» و از آنان حمایت می‌کنند.

این زندانی سیاسی سابق همچنین نوشته است: «پیوستن جنبش معلمان به جنبش کارگران می‌تواند فراخوانی برای پیوستن خرده جنبش‌های مطالباتی بوده و همه را برای دست یازیدن به هدفی مشترک یکپارچه کند و به این طریق همه ما آماده رزمی خیابانی برای نجات ایران و نجات زندگی شویم.»

او یادآور شده است که طی چند سال اخیر و از پشت میله‌های زندان شاهد اعتصابات و اعتراضات مردم بوده و «اکنون به خوبی درک

می‌کنم که راه

همین است که

شما رفتید و از

این به بعد نیز

با هم خواهیم

پیمود.» او در

ادامه این نامه

حمایت خود را

از جنبش‌های

اعتراضی این گروه‌ها اعلام کرده و گفته است: «تا همیشه خود را کنار شما می‌دانیم و برای رسیدن به خواست‌های صنفی و سیاسی شما تا پای جان دست در دست شما برای فردایی بهتر و ایرانی آزاد و آباد مبارزه می‌کنیم.»

حبیب افکاری برادر نوید افکاری، کشتی‌گیر ملی‌پوش ایرانی، است که در شهریور ۱۳۹۸ به اتهام قتل عمد در جریان اعتراضات مرداد ۹۷ اعدام شد، اتهامی که او همواره آن را رد کرده و گفته بود که تحت شکنجه ناگزیر از اعتراف